نام کتاب:با جوانان (نصايح)

نویسنده: آيت الله لطف الله صافى گلپايگانى

## سئوال ١ = تزكيه نفس

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

محضر حضرت آيت اللّه العظمى صافى گلپايگانى (دامت بركاته ) .

سلام عليكم .

تقاضا دارم به سؤالات زير پاسخ بفرماييد:

بـا تـوجـه به اينكه خداوند در سوره شمس , يازده قسم براى تزكيه نفس ياد كرده است , عده اى تزكيه وتهذيب نفس را واجب مى دانند, آيا صحيح است ؟ .

تزكيه و تصفيه نفس , واجب است و بر حسب آيه كريمه ((قد افلح من زكيها)), ((١)) هر كس تزكيه نفس كند, رستگار مى باشد .

مـسـالـه پـاكـسازى , تهذيب اخلاق , تصفيه , تحليه , صفاى روح و جلاى قلب در برنامه هاى عبادى واخلاقى و اعتقادى اسلام منظور شده است , و همه در صفاى باطن و بردن زنگار از قلب و تهذيب نفس وتنوير ضمير مؤثرند .

بخشى از تعاليم عاليه اسلام , تزكيه و تصفيه و بخشى هم تكميل و تحليه و بلكه بيشتر يا همه تعاليم دين مبين , متضمن هر دو فايده تزكيه و تحليه است . تـوبـه , اسـتـغـفـار, تقوا, اجتناب از محرمات , اهتمام در حليت غذا, پوشاك , مسكن , كسب , شغل و انجام عبادات و رياضات شرعيه از نماز, دعا, ذكر خدا, روزه , حج , اداى زكات و ساير حقوق شرعيه و احـسـان بـه والـدين , احترام معلم , صله رحم , كظم غيظ, ياد موت , زيارت مشاهد و قبور, اعتبار از حوادث روزگار,مجالست با نيكان و علما و بيشتر هدايتها و ارشادات دينى كه يا به عنوان واجب يا مـسـتحب يا حرام يامكروه عنوان شده است , همه اسباب صفاى باطن , كمال نفس , تزكيه و تحليه اسـت , هـمه سير و سلوك است و مخصوصا اعتقادات صحيح معرفة اللّه , معرفت انبيا, معرفت ائمه و ساير معارف كه بر اساس توحيد و ايمان به عالم غيب و جزا و پاداش و معاد, استوار است .

در ايـن خـودسـازى , انـسان نقش اساسى و بنيادى دارد, انجام وظايف و تكاليف و عبادات و ترك گناه كه ادامه يافت , روشنى باطن بيشتر و بيشتر مى شود, و سفر آنان الى اللّه و به سوى خدا شتاب مـى گيرد تاتمام قلب , روشن و منور گردد, و به عكس ارتكاب محرمات , گناهان و ترك عمل به هدايتهاى دينى قلب را تاريك و سياه و روح را آلوده و تباه مى سازد .

بـنـابـرايـن , ديـن , همه اش سلوك و سير الى اللّه و تهذيب و تصفيه و تحليه و تكميل است اين سير وسـلـوك , عـمـل اسـت كـه ((من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مؤمن فلنحيينه حياة طيبة و لـنـجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا يعملون )) ((٢)) موجب حيات طيبه مى گردد و باعمل , التزام , ايـمـان , تـعـهد, خلوص نيت و خلاصه , دو بال علم و عمل , انسان به اين مقامات نايل مى شودو در مشاهد عاليه , حضور مى يابد .

پـيـر, مـرشـد, قـطـب و تلقين ذكر از اين و آن غير از قرآن و احاديث اهل بيت عصمت و طهارت , عـلـيهم السلام , نمى خواهد و نبايد به اسم سير و سلوك , افرادى دين را به شريعت و طريقت تجزيه نـمـايـنـد وگـروه بندى كنند و حتى علما را به اين عناوين تقسيم بندى كرد و برنامه هايى را كه اصالت اسلامى ندارند,عنوان نمايند .

سير و سلوك همه كتابهايى مثل مصباح المتهجد شيخ توسى , انجام فرايض , نوافل , امر به معروف و نهى از منكر و سعى در اعلاى كلمه اسلام و عزت مسلمين و قضاى حوايج مؤمنين و انتظار واقعى فرج ,به ظهور حضرت مهدى , ارواح العالمين له الفدا, است .

خداوند متعال همگان را به دين خود, در راه راست ـ كه اسلام است ـ هدايت فرمايد .

گاهى گفته مى شود اگر كسى مى خواهد به كمالات معنوى برسد بايد ادعيه و اذكار را مانند دارو بـداند و آن را زير نظر طبيب روحانى و مجتهد مصرف كند, زيرا ادعيه ما داراى مراتب روحى است , آيا صحيح است ؟ .

در ايـن جـهت , همين مقدار كه ادعيه و اذكار را از كتابهاى معتبر مثل كتابهاى علا مه مجلسى وكـتـاب مـصـبـاح شيخ توسى و مفاتيح الجنان بخواند كافى است و نيز نظر شخص خاص و اجازه , لازم نـيـسـت , بـلكه بعضى برنامه هايى به اين عناوين ـ كه بايد با اجازه باشد و صوفيه و بعض ديگر عـنـوان كـرده ومـى كـنـنـد ـ بى اصل و بعضى صورتهاى آن بدعت و حرام است , غرض اينست كه برنامه هاى دعا و عبادت وهمه وظايف از شرع و از حضرات معصومين , عليهم السلام , رسيده باشد و شخص از اختراعات اشخاص تقليد ننمايد .

قم / لطف اللّه صافى .

## سئوال ٢ = عدم پاى بندى اعضاى خانواده به وظايف و دستورات اسلامى

باسمه تعالى .

حضور مبارك مرجع عظيم الشان شيعه , حضرت آيت اللّه العظمى صافى (دام ظله العالى ) .

با سلام ! .

حـضـرت آيت اللّه , محيط زندگانى براى اينجانب بسيار مشكل شده و اين به خاطر عدم پاى بندى اعـضـاى خـانـواده مان , به وظايف و دستورات اسلامى است به همين جهت تصميم به ترك خانه را دارم تـا در جـايـى ديگر, با فراغ بال , به وظايف شرعيم رسيدگى كنم در ضمن حافظه ام نيز قوى نيست و اين مشكلى ديگربراى من است .

خواهشمندست در اين دو مورد اينجانب را, با اندرزهاى گهربارتان , راهنمايى نماييد .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

مـرقـوم شـمـا واصل شد از خداوند متعال مسالت مى نمايم مشكلات شما به احسن وجه حل شود وحسن عاقبت داشته باشيد .V احـسـاسـات ديـنـى , عـلاقـه و تـعـهـد شـمـا به احكام و وظايف شرعى مورد تقدير است انشااللّه مـشـمول الطاف حضرت بقية اللّه , ارواح العالمين له الفدا, باشيد فعلا اگر چه محيط خانواده براى انـجـام وظـايف مذهبى چنانكه لازم است آماده نباشد, ولى شما استقامت كنيد و با همين شرايط, وظـايـف خـود را انـجام دهيد به نظر مى رسد تغيير وضع زندگى قبل از پايان تحصيلات , موجب اشكالات بيشتر براى شما شود .

شما وضع مسلمانان صدر اسلام را در نظر بگيريد كه جوانهايى در خانواده هاى كفر اسلام آوردند و بـاوجـود چه مشكلات و متاعبى , استقامت مى ورزيدند انشااللّه شما موفق مى شويد مايوس نباشيد ضـعـف حافظه هم مساله اى نيست بسيار ديده شده اشخاص با هوش و استعداد در حافظه ضعيف بوده اند وبعكس هم اتفاق افتاده است كه آن ضعف را آن قوت جبران مى نمايد .

خداوند متعال شما را يارى كند .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٣ = نصيحت درباره سعادت دنيا و آخرت

محضر مرجع عاليقدر, حضرت آيت اللّه العظمى حاج شيخ لطف اللّه صافى (دام ظله الشريف ) .

با سلام ! . بـا تـوجـه بـه ايـنـكـه جـنابعالى با بزرگان زيادى مانوس بوده ايد, مستدعى است نصيحتى را كه راهگشاى سعادت دارين باشد, مرقوم فرماييد كه : ((فان الذكرى تنفع المؤمنين )) ((٣)) .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

عالم و هر چه در آن است و همه حوادثى كه در آن واقع مى شود, گردش سال و گذشت عمر و شـب و روز, زمـيـن و آسمان , فقر و توانگرى , تندرستى و بيمارى , جوانى و پيرى , زندگى و مرگ , ذلـت و عـزت وهـر چـه را مـى بينيم و پيدايش هر چيز و نشو و نماى آن و تغييراتى كه در آن پيدا مى شود, تا مرگ و فناى آن , همه پند و نصيحت است .

اگـر نـظـر انـسـان , نـظر عبرت باشد و از ظاهر دنيا, باطن آن را بشناسد, نگاهش به هر چيزى و هـرپـديده اى او را از جهات متعدد هشيار و بيدار مى سازد و در هر ذره اى از ذرات عالم امكان و هر برگى ازبرگهاى درختان , ابوابى از معرفت و راههايى براى نيل به سعادت مى يابد, به شرط اينكه در زمـره آنـان بـاشد كه : ((و يتفكرون فى خلق السماوات ربنا ما خلقت هذا باطلا)) ((٤)) در شان آنهااست و از مردمانى كه وصف آنها ((لهم قلوب لايفقهون بها ولهم اعين لايبصرون بهاو لهم اذان لا يسمعون بها)) ((٥)) است , نباشد .

بـنـابـرايـن , كـتاب تكوين ـ سراسرش و تمام ذراتش , كلمات , آيات و حروفش ـ پر است از موعظه ونصيحت , به شرط اينكه , شخص , سواد خواندن آن و عقل فهم معانى آن را داشته باشد .

كـتـاب بـزرگ وحـى و تـشريع قرآن مجيد نيز مثل همان كتاب تكوين , متضمن هدايت , نصيحت وارشـاد اسـت هـر چـه انسان آن را بيشتر بخواند و در معانى آيات آن بيشتر تامل كند, به مواعظ و نصايح بيش و بيشتر راهنمايى مى شود شما در هر رشته اى نصيحت بخواهيد مى توانيد از اين كتاب اعظم آسمانى دريافت كنيد .

اوصاف عبادالرحمن را در سوره مباركه فرقان بخوانيد .

تـعـلـيـمات اخلاقى و اجتماعى را در مثل سوره اسرى , آيات ٢٢ تا ٣٩, قرائت كنيد آيات بشارت و انذارآن , همه نصيحت و هشدار دهنده است بيان اوصاف مؤمنين , اصحاب ميمنه , اصحاب يمين و اصـحـاب شـمال , آموزنده و نصحيت است قصص قرآن , سرگذشت انبيا و رجال الهى و سؤ عاقبت كفار, ارباب معاصى , فراعنه و جباران , پند و اندرز و هدايت به صراط مستقيم است , همه را بخوانيد و پيوسته تكراركنيد و در مضامين آنها تامل نماييد در مثل اين آيات كريمه تامل كنيد و سعى كنيد بـه حـقيقت مفاد آنهابرسيد: ((تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لايريدون علوا فى الارض و لافسادا والـعـاقبة للمتقين )) ((٦)) , ((واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا كما انزلناه من السمافاختلط به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح و كان اللّه على كل شئ مقتدرا)) ((٧)) , ((فمن يعمل مثقال ذرة خـيـرا يـره و من يعمل مثقال ذرة شرايره )) ((٨)) , ((و كاين من آية فى السماوات و الارض يمرون عـلـيـهـا و هـم عـنهامعرضون )) ((٩)) , ((كم تركوا من جنات و عيون و زروع و مقام كريم و نعمة كـانـوافيها فاكهين )) ((١٠)) , ((افرايت ان متعناهم سنين ثم جاهم ماكانوا يوعدون مااغنى عنهم ما كانوا يمتعون )) ((١١)) .

خـلاصـه , قـرآن نورى است كه اگر از آن روشنى طلب شود, همه تاريكيها را از ميان مى برد اگر بـه زبـان عربى , آشنايى نداريد, تفسير اين آيات را در تفاسير فارسى , مثل منهج الصادقين و تفسير ابوالفتوح رازى , بخوانيد .

هـمـراه بـا قـرآن , مـواعـظ و نصايح رسول خدا, صلى اللّه عليه و آله , و مواعظ اميرالمؤمنين , عليه السلام , را درنهج البلاغه و كتابهاى ديگر, و نصايح ساير ائمه معصومين , عليهم السلام , را كه حاملان علوم قرآن ومفسران حقيقى كتاب خدا مى باشند, بخوانيد .

سـعـى كـنـيـد در حـدى كـه مـى تـوانيد, حقوق برادران و خواهران ايمانى را رعايت كنيد, براى قـضـاى حـوايـج مـردم , خصوصا طبقات ضعيف تلاش كنيد, حضور در جماعات و جلسات دينى و مذهبى را ترك نكنيد .

تـوفـيـق بـه نـماز شب را بسيار مهم و مغتنم بدانيد و از ياد خدا در هر حال غافل نباشيد, شبهاى جمعه دعاى كميل و روزهاى آن , دعاى ندبه را بخوانيد .

سـخـت تـر از آنـچه شخص در امور مالى , از شريك و طرف معامله خود حساب مى خواهد, خودتان به دقت , به حساب كارهاى خودتان برسيد كه فرمودند: ((ليس منا من لم يحاسب نفسه فى كل يوم فان عمل حسنا استزاداللّه و ان عمل سيئا استغفراللّه منه و تاب اليه )) ((١٢)) .

نيت خود را خالص كنيد و خود را به هيچ كس و هيچ چيز, جز خدا و ثواب خدا نفروشيد .

بـا حـضـرت بـقـيـة اللّه , قـطب عالم امكان , ارواح العالمين له الفدا, ارتباط قلبى را مستمر بداريد فـرامـوش نـكـنـيـد كه رعيت آن حضرت و تحت ولايت آن حضرت هستيم هر چه بتوانيم كارهاى خـودمـان را بـه حساب ايشان و خدمت به اهداف و مقاصد بلند ايشان , كه اعلا كلمه اسلام و عزت مسلمين است ,بگذاريم و همه دوستان , شيعيان و منتظران ظهور آن بزرگوار را صميمانه دوست بداريم .

امـيـد اسـت سـعـادتـمـند باشيد و به مقامات عاليه , كه فقط با پيروى از اهل بيت , عليهم السلام , حاصل مى شود, نايل گرديد .

خـداوند, شما و ما و همه مؤمنين را, از گرفتار شدن در دامهاى شياطين انسى و جنى و اهل بدع , حفظفرمايد .

اگـر در مـظان اجابت دعوات , حقير را از دعاى خير, مخصوصا براى سلامتى ايمان , حسن عاقبت وتوفيق فراموش ننماييد, بسيار متشكر خواهم بود .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٤ = راهنمائى در مسير سلوك

خدمت مرجع عظيم القدر, آيت اللّه العظمى آقاى صافى گلپايگانى ! .

مـستدعى است اينجانب را در مسير سلوك راهنمايى فرماييد آيا در اين راه از قطب و مرشد پيروى نمايم ؟در اين زمينه , چه كتابى را پيشنهاد مى فرماييد؟ .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

مكتوب جنابعالى واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد .

چـون در مـقـام تـهـذيـب اخـلاق و بـه گـفـته خودتان , در سير و سلوك , راهنمايى از اين حقير خـواسـتـه ايـد,بـه شـمـا تـذكـر مـى دهم كه كل تعاليم اسلام , از واجبات , محرمات , مستحبات و مكروهات ,سير و سلوك است .

هر مسلمانى , سالك الى اللّه است , با اين تفاوت كه در اين سلوك , بر حسب قوت و ضعف , اشخاص در تعهد به انجام واجبات و ترك محرمات , همه در يك درجه و رتبه نيستند .

هـر چـه مـواظـبـت انـسـان بر اطاعت از خداوند متعال و دستورات شرع بيشتر باشد, در اين سير وتحصيل تقرب به خدواندموفق تر مى شود .

تـعـالـيـم عـبـادى , نـمـاز, حـج , روزه , دعا, قرائت قرآن , نماز شب , مواظبت بر خواندن نمازهاى نوافل يوميه , عبادات شب و روز جمعه , ترك دروغ و غيبت , محاسبه با نفس , قضاى حوايج بندگان خـدا, احـسـان بـه پـدر و مادر, صله رحم , حسن جوار, حفظ امانت , مصاحبت و همنشينى با علما, تـجديد توبه و استغفار,مواظبت بر اذكار تهليل و تسبيح و تحميد و تكبير, حسن معاشرت با مردم , امـر بـه مـعـروف و نـهـى از مـنـكـر,رعـايت حقوق برادران دينى تا حدى كه در روايات معلى بن خـنـيـس ((١٣)) بـيـان شـده , حفظ اعضا و جوارح ازمعاصى و حتى ترك مشتبهات , تفكر در عالم آفـريـنش و عظمت ظهور قدرت خدا در خلقت مخلوقات ,تفكر در فناى دنيا, نظر عبرت به كوه و دريـا و موجودات كوچك و بزرگ و امور بسيار ديگر, كه در آيات قرآن مجيد بيان شده است و شرح مختصر آن نياز به نوشتن يك كتاب دارد, همه سير و سلوك است .

دسـتـور سـير و سلوك , همين كتابهاى دعا, رساله ها, تفاسير قرآن مجيد و كتابهاى حديث فارسى وعـربـى اسـت محتاج به قطب و مرشد نيست و همه اين امور راه رفتن به سوى خدا است , و استاد همه ,قرآن و تعليمات ائمه , عليهم السلام , و احاديث شريفه است .

خلاصه , همه مسلمانها, اعم از زن و مرد, در پنج وقت نماز,سير الى اللّه دارند زن در خانه شوهر, با خانه داريش و انجام وظايف شرعيه خود, و مرد در بيرون خانه باكد يمين و عرق جبينش , مى توانند اين سير را ادامه دهند فقط بايد دستور ((ولاتكن من الغافلين )) ((١٤)) را رعايت كنند و در همه اين اعمال , چشم به رضاى خدا و تقرب به او داشته باشند وخدا را فراموش نكنند .

راه , بـه بـركـت تعاليم اسلام , باز است و بسته نيست , و اگر هم بعضى معاصى , سد راه شده باشد, باتوبه , باز مى شود .

اشـخاص منزوى , گوشه گير و تارك امر به معروف و نهى از منكر, راهنما نيستند راه بلدها, علما وشـاگـردان مكتب ائمه , عليهم السلام , مى باشند به شما هشدار مى دهم كه از اين فرقه اى كه به آنـها اشاره كرده ايد, حتما بپرهيزيد, زيرا راهها و روشهاى آنان , گاه به كفر و شرك منتهى مى شود دعواى ارشاد آنها,اضلال است .

بـه شـما برادرانه نصحيت مى كنم , اگر خودتان با پاى خودتان , به مدد خواندن نماز در اول وقت , حفظزبان و برنامه هايى كه به آن اشاره شد, به سوى خدا برويد, به خداوند نزديك مى شويد .

((والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان اللّه لمع المحسنين )) ((١٥)) .

حـقـيـر هـم براى توفيق شما و حفظ ايمان شما از خطر وساوس شياطين جن و انس , دعا مى كنم شماهم بنده را فراموش ننماييد .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٥ = رهايى از گرفتاريهاى روحى

خدمت مرجع عالى مقام شيعه , آيت اللّه العظمى صافى (مدظله ) .

با عرض ادب و ارادت ! .

ت براى رهايى از گرفتارى هاى روحى و سلب توفيقاتى كه قبلا داشته ام , چه بايد كرد؟ .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

نامه شكايت آميز شما از حالات روحى و تاسف بر سلب بعضى توفيقاتى كه داشته ايد, واصل شد .

ايـن روحـيـه گـلـه از نـفـس و تـوجـه بـه منابع روحانى يا [توجه به ] ابتلا به خسارتها و زيانهاى مـعـنـوى ,دلـيـل بـيدارى ضمير و حيات قلب و آگاهى و سلامتى روح است و ضد حالت غفلت و بى اعتنايى به گناه است و حالت معاتبه نفس است , كه در اصلاح باطن بسيار مؤثر است .

در احـاديـث شـريـفه , قريب به اين مضمون آمده است كه در امم گذشته , شخصى بود كه ساليان درازعـبادت مى كرد, سپس به رسم آن زمان ها قربانى كرد و مقبول درگاه الوهيت , عزاسمه , نشد او خـود را ونـفـس خود را مخاطب قرار داد و گفت : ((به من نرسيد آنچه رسيد مگر از تو و نيست گناه , مگر از تو)) خطاب شد كه اين نكوهش و توبيخ نفس , از آن سالها عبادت , بهتر است .

بـايـد شـما با ايمانى كه داريد, همين حالت شايسته را داشته باشيد از فوت ثواب و محروم شدن از كـارنيك ناراحت شويد بنابراين در مقام جبران گذشته برآييد و شكر و سپاس خداى متعال را بجا آوريـد كه اين وجدان روشن را به شما عطا فرموده است به شكرانه آن برنامه هايى را كه داشته ايد با شـوق و نـشـاط ازسر بگيريد از خدا توفيق بخواهيد و كمك و يارى طلب كنيد انشااللّه حال شما از گذشته هم بهتر خواهدشد و صفاى باطن و نورانيت قلب شما, بيشتر مى شود .

بـايـد بـنـده , هـمـواره مراقب حالات نفسانى و قلب خود باشد كه در حديث است : ((دل نيز مانند آهن زنگ مى گيرد, و با تلاوت قرآن كريم و ياد مرگ , زنگ آن زدوده مى شود )) ((١٦)) .

اگر بتوانيد نفس خود را جريمه كنيد و او را در راه اطاعت و رياضت , زحمت بيشتر بدهيد .

زايـد بـر بـرنـامـه , اگـر مـى توانيد از مال خود, انفاق نماييد, يا نماز بيشتر بخوانيد يا قرآن زيادتر تـلاوت كنيد چنانچه در احوال بعضى بزرگان گفته شده است كه : وقتى نماز مغرب را مختصرى از اول وقت تاخيرانداخت , به كفاره آن و تاديب خود, بنده اى را آزاد كرد .

ايـن فقرات دعاوى شريف ابى حمزه ثمالى ((١٧)) را با توجه بخوانيد و اگر عيبى در كارتان است , آن رااصلاح كنيد: ((مالى كلما قلت قد صلحت سريرتى و قرب من مجالس التوابين مجلسى عرضت لـى بـلية ازالت قدمى و حالت بينى و بين خدمتك سيدى لعلك عن بابك طردتنى و عن خدمتك نـحيتنى او لعلك رايتنى مستخفابحقك فاقصيتنى او لعلك رايتنى معرضا عنك فقليتنى او لعلك وجدتنى فى مقام الكاذبين فرفضتنى او لعلك رايتنى غير شاكر لنعمائك فحرمتنى اولعلك فقدتنى من مجالس العلما فخذلتنى او لعلك رايتنى فى الغافلين فمن رحمتك ايستنى او لعلك رايتنى الف مجالس البطالين فبينى و بينهم خليتنى )) ((١٨)) .

ايـنـهـا اشـاره به يك سلسله از عوامل قلت يا سلب توفيق است كه به هر حال توجه آموز, بيدارگر وعافيت بخش است .

مـن امـيـدوارم كـه شـما تحت تاثير هيچيك از عواملى كه در اين دعا ياد شده قرار نگرفته باشيد بـه امـيد خدا برنامه ها را, مانند گذشته , اجرا كنيد, جلو برويد, قدم برداريد كه سعادتهاى بزرگ و درجات عالى و مقامات بلند در انتظار شماست .

بـه حـضـرت بقية اللّه , مولانا المهدى , ارواح العالمين له الفدا, متوسل باشيد و براى فرج ايشان دعا كنيد .

به اين بنده ضيعف سرمايه از دست داده و در بند نفس گرفتار مانده , از راه مرحمت دعا كنيد .

ثـبـتـكـم اللّه و ايـانا بالقول الثابت فى الحياة الدنيا و الاخرة بحق محمد و آله الطاهرين صلوات اللّه عليهم اجمعين .

والسلام عليكم و رحمة اللّه .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٦ = نصيحت در ايام تولد حضرت زهرا (س)

به نام خدا .

بـه لـحـاظ مبارك مرجع عزيزم , حضرت آيت اللّه العظمى آقاى حاج شيخ لطف اللّه صافى (مد ظله العالى ) برسد .

بـا سـلام و تـبـريـك ايـام ولادت حـضـرت فـاطمه زهرا, سلام اللّه عليها, خواهشمند است در اين روزهاى خجسته , اينجانب را نصيحتى فرماييد تا بتوانم هر چه بيشتر در راه اسلام , ثابت قدم باشم .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

الـحمدللّه رب العالمين و الصلوة والسلام على سيدنا و نبيناابى القاسم محمد و آله الطاهرين , سيما بقية اللّه فى الارضين .

((قـال اللّه تـعـالى : و ان هذا صراطى مستقيما فاتبعوه و لا تتبع السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصيكم به لعلكم تتقون )) ((١٩)) .

نـصـيـحـتـى كـه به شما مى نمايم , برگرفته و اقتباس از نصيحت و سفارش مرحوم علا مه حلى , بـه فرزندش , فخرالمحققين , قدس سرهما, مى باشد ايشان از بزرگترين علماى اسلام است كه در هـمـه عـلـوم نـقـلـى و عـقلى از اساتيد كم نظيرند آن بزرگوار در خاتمه كتاب ارزنده قواعد, به فـرزنـدش , كـه او نيز ازشخصيتهاى برجسته علمى و از مفاخر عالم علم و تحقيق و فضيلت است , سفارشاتى فرموده است .

آن فـقـيـه عـظـيـم , فـرزنـد جـلـيل خود را مخاطب قرار داده و بعد از دعاى خير, او را به تقوا و پـرهـيـزكـارى ,كـه سپر نگهدارنده و وسيله پايدار و سودمندى است و انسان را براى قيامت آماده مـى نـمـايـد, وصـيت مى فرمايد و به اطاعت اوامر خدا, آنچه موجب رضاى او و دورى از آنچه نهى فرموده , دستور مى دهد .

از او مـى خواهد كه عمرش را در تحصيل كمالات و كسب فضايل و صعود از پستى نقصان و نادانى , به اوج علم , كمال , مدارج معارف , آداب و مقامات انسانى و اعمال صالحه صرف نموده و اوقات خود را بيهوده تلف نسازد .

از جـمـلـه اين وصايا, احسان , مساعدت , كمك به برادران ,قضاى حوايج محتاجان و مقابله بدى به نيكى و تشكر و امتنان از نيكوكاران است .

نيز او را به ترك صحبت و هم نشينى و معاشرت با مردم نادان و فاسدالاخلاق , سفارش مى كند .

و از طـرف ديـگـر, فـرزنـدش را بـه مـلازمت محضر علما و مجالست فضلا, كه سبب رفع جهل و موجب اخلاق حسنه است ,توصيه مى فرمايد .

بـه صـبـر و تـوكـل , رضـا و حسابرسى نفس و استغفار و پرهيز از ظلم , خصوصا به يتيمان و ضعفا وصيت مى كند و مى فرمايد: خداوند در كيفر كسى كه شكسته اى را برنجاند و ضعيف و افتاده اى را بيازارد, گذشت نمى فرمايد .

و بـعـد از آن مـى فرمايد: در اداى نماز شب , مواظبت داشته باش كه پيامبر عظيم الشان , صلى اللّه عـلـيـه وآلـه , بر آن ترغيب و تشويق فرموده است , آنجا كه مى فرمايد: ((من ختم له بقيام الليل ثم مات فله الجنة )) ((٢٠)) .

صـلـه رحـم و پـيـونـد با خويشان را كه سبب زيادتى عمر است انجام بده و در حسن خلق , هر چه مى توانى اهتمام كن كه پيامبر اكرم , صلى اللّه عليه و آله , مى فرمايد: ((انكم لن تسعوا الناس باموالكم فسعوهم باخلاقكم )) ((٢١)) .

در پـيـوند با ذريه طيبه ـ فرزندان معصومين , سلام اللّه عليهم اجمعين , ـ سادات كرام و خدمت و احـترام به آنها تلاش داشته باش كه خداوند متعال در سفارش آنها تاكيد فرموده و مودت و دوستى ايشان را اجررسالت قرار داده است : ((قل لااسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى )) ((٢٢)) .

و حـضـرت خـتـمـى مـرتـبت , صلى اللّه عليه و آله , فرمودند: ((من از چهار گروه , در روز قيامت شـفاعت مى كنم , اگر چه به مقدار گناهان اهل دنيا, گناه بياورند: كسى كه ذريه مرا يارى كرده بـاشـد, شخصى كه درتنگدستى مالش را به فرزندان من بذل كرده باشد, آن كس كه اولاد مرا, به زبان و دل , دوست داشته باشدو شخصى كه براى قضاى حاجتهاى ذريه من , در وقتى كه طرد شده و كنار گذاشته شده باشند, سعى وتلاش نمايد )) ((٢٣)) .

و هـمـچـنين بر تو باد به تعظيم فقها و اكرام علما, كه پيامبر عالى قدر اسلام , صلى اللّه عليه و آله , فرمودند:

((مـن اكـرم فـقـيها مسلما لقى اللّه يوم القيامة و هو عنه راض و من اهان فقيها مسلما لقى اللّه يوم القيامة و هو عليه غضبان )) ((٢٤)) .

نـگـاه كـردن بـر عـالـم عبادت است , نظر به در خانه عالم عبادت است و مجالست و همنشينى با عالم عبادت است .

بـر تـو باد به تحصيل علم و فهم دين ! مبادا علمى را كه دارى , از آنان كه نياز دارند, كتمان كنى و اظهارننمايى .

در قـرآن مـجـيـد است : ((آن كس كه دانش خود را كتمان كند, خدا و همه لعنت كنندگان او را لعنت مى كنند)) ((٢٥)) .

خـصـوصـا اگر بدعتها ظاهر شود, واجب است بر عالم كه علم خود را اظهار كند و بدعتها را دفع نمايد ونگذارد كه مردم گمراه شده , در اشتباه بيفتند .

قـال رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله : ((اذا ظهرت البدع فى امتى فليظهرالعالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة اللّه )) ((٢٦)) .

تـوصـيـه حقير, اضافه بر آنچه علامه حلى , رحمة اللّه عليه , فرموده , اين است كه ياد خدا را در هيچ حـال فـرامـوش مـكـن و خدا را چنان عبادت و پرستش كن كه گويى او را مى بينى و اگر تو او را نمى بينى , او تو رامى بيند, ((اعبداللّه كانك تراه فان كنت لا تراه فانه يراك )) ((٢٧)) .

بـر ياد او به دل و زبان مستمر و مداوم باش ! يقينا خدا هم تو را ياد مى نمايد, ((فاذكرونى اذكركم )) ((٢٨)) .

و از شـكـر نـعمتهاى او, اگر چه كسى از حق شكر آنها بر نمى آيد, غافل مباش و از كفران نعمت و ايـنـكـه بـا نـعـمت خدا او را معصيت كنى , بر حذر باش كه ((ولئن شكرتم لا زيدنكم و لئن كفرتم ان عذابى لشديد)) ((٢٩)) .

در مـعامله با مردم , طريق انصاف را رعايت كن ! مبادا حقى را از كسى , اگر چه كوچك باشد, انكار كنى و تا بتوانى با برادران دينى مواسات داشته باش ! ((اشد الاعمال ثلاثة مواساة الاخوان فى المال و انصاف الناس من نفسك و ذكراللّه على كل حال )) ((٣٠)) .

حـق بـرادران و خـواهران مؤمن و مؤمنه را رعايت كن !آسانترين آن , اين است كه براى آنها دوست بـدارى , آنـچـه را بـراى خودت دوست مى دارى , و ناخوش داشته باشى , آنچه را براى خود ناخوش مى دارى .

و با آنها كه از تو مى برند, تو پيوند كن و آنها را كه به تو ستم مى كنند عفو كن ! .

بـپرهيز از خودبينى و غرور و تكبر و نظر حقارت به ديگران , ((اليس فى جهنم مثوى للمتكبرين )) ((٣١)) .V بـه هـيـچ يـك از بـنـدگـان خدا و برادران و خواهران ايمانى , به نظر كم قدرى , نگاه مكن ! شايد همان كسى كه تو او را كم گرفته و كم مى بينى , از اولياى خدا باشد.

مـظـاهـر دنيا و مقامات ظاهرى , معيار, نشان قدر معنوى و حقيقى و شان اشخاص نيست كه ((الا كثرون هم الا قلون يوم القيامة )) ((٣٢)) .

هـر چـه خـود را در مـقـايـسـه با ديگران كمتر بشمارى و تواضع بيشتر داشته باشى , به مقامات و درجات بالاتر نايل مى شوى .

امـر بـه مـعـروف و نـهـى از مـنكر, سعى و كوشش در اعلاى كلمه اسلام و تبليغ مكتب اهل بيت , عـلـيهم السلام , را كه مكتب اصل و اصيل اسلام است , هميشه وجهه همت خود قرار بده و حب فى اللّه و بغض فى اللّه را در همه احوال و كارها مراعات كن ! ((اوثق عرى الا يمان الحب فى اللّه و البغض فى اللّه )) ((٣٣)) .

بـر راسـتـى و صداقت , درستى و امانت و حفظ عهد و وفاى به وعده كه از موجبات مهم عزت دنيا وآخرت و اعتلا و اعتبار جامعه است , ملازمت و مداومت داشته باش كه در حديث است : ((به نماز و روزه بـسـيـار شـخـص نـظر نكنيد, بلكه به صدق و راستى او در گفتار و اداى امانت او نظر كنيد )) ((٣٤)) و از رسـول اكـرم , صـلـى اللّه عليه و آله و سلم , است كه فرمود: امت من همواره در خير هـستند, مادامى كه امانت را غنيمت وصدقه دادن را غرامت و خسارت نبينند, ((لاتزال امتى بخير مالم ترالا مانة مغنما والصدقة مغرما)) ((٣٥)) .

از دوستى با دشمنان خدا سخت پرهيز كن و در اين سه آيه پيوسته تامل كن ! .

((لاتـجـد قـومـا يـؤمنون باللّه و اليوم الاخر يوادون من حاداللّه و رسوله و لوكانوا آباهم او ابناهم او اخوانهم او عشيرتهم اولئك كتب فى قلوبهم الا يمان )) ((٣٦)) .

((قل ان كان آباؤكم و ابناؤكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون كـسـادهـا و مـساكن ترضونها احب اليكم من اللّه ورسوله و جهاد فى سبيله فتربصوا حتى ياتى اللّه بامره و اللّه لايهدى القوم الفاسقين )) ((٣٧)) .

((تلك الدار الا خرة نجعلها للذين لايريدون علوا فى الا رض و لافسادا والعاقبة للمتقين )) ((٣٨)) .

و تلاوت قرآن را ترك مكن كه بر حسب روايات , قرآن , عهد خدا است و بايد شخص در اين عهدنظر كند و حداقل روزى پنجاه آيه از آن را قرائت نمايد .

از فايده و فضيلت تفكر در خلق آسمان و زمين , نفس خود و همه آيات الهى , كه سبب مزيد معرفت وخـداشـنـاسـى و بيدارى و آگاهى و ترقى روح و عقل مى شود, هيچ گاه غفلت مكن كه خداوند خردمندان را درقرآن به اين صفت توصيف و تعريف نموده است و هم در قرآن مى فرمايد: ((و فى الا رض آيات للموقنين و فى انفسكم )) ((٣٩)) .

مـبـادا از آنـهـا بـاشـى كـه از نـظـر بـه ظاهر اين عالم , به باطن آن نمى رسند و به همين تماشا و سيرظاهرى جهان اكتفا كرده , مشمول اين آيه شريفه مى شوند: ((و كاين من آية فى السماوات و الارض يمرون عليها و هم عنهامعرضون )) ((٤٠)) .

و در تـوسـل بـه حـضـرات مـعصومين , عليهم السلام , و حضور در مجالس ذكر فضايل و مناقب و مـصـايـب ايـشـان , خـصوص مجالس روضه و تعزيه حضرت سيدالشهدا, عليه افضل التحية و الثنا, كـوتـاهـى نـنما و اين مجالس را كه متضمن كمال روح و تهذيب نفس و كسب ثواب و اجر بسيار و ازدياد بصيرت و معرفت است مغتنم بشمار! .

و خـصـوصـا ياد ولى نعمت حقيقى و آن آقايى كه همه نعمت هاى الهى و فيوض ظاهريه و باطنيه , ازبـركـت وجـود مـقـدس او بـه ما مى رسد, يعنى حضرت بقية اللّه , مولانا المهدى , ارواحنا فداه , را فـراموش ننما و تامى توانى با گفتار و كردار خود خوشنودى و مسرت خاطر شريف ايشان را فراهم نـما!, براى تعجيل فرج وظهور آن حضرت و نزديك شدن روزگار رهايى دعا كن و سعى كن كه از منتظران حقيقى و متعهد آن حضرت باشى ! .

بر صلوات بر محمد و آل محمد, صلوات اللّه عليهم اجمعين , مداومت داشته باش ! .

و اين حقير فقير سراپا تقصير را از دعاى خير و طلب مغفرت , حيا و ميتا, فراموش ننما! .

فـان اللّه يـحـب الـمـحسنين و لا حول و لا قوة الا باللّه العلى العظيم و آخردعوانا ان الحمدللّه رب العالمين و صلى اللّه على سيدنا محمد و آله الطاهرين .

والسلام عليكم و رحمة اللّه .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٧ = بهترين و مهمترين آرزو از خداى سبحان

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

محضر مبارك حضرت آيت اللّه العظمى آقاى حاج شيخ لطف اللّه صافى , مد ظله العالى .

با سلام و تحيت , خواهشمند است به سؤالات اين جانب پاسخ دهيد:

١ ـ اگر روزى قرار شد كه خداوند متعال , يك آرزوى شما را برآورده كند, در اين صورت بهترين و مهمترين آرزو و خواسته حضرتعالى از خداى سبحان چه خواهد بود؟ .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

نـامـه جـنابعالى متضمن دو سؤال و درخواست پند و اندرز, واصل شد سؤالها و درخواست , كاشف ازحـسـن نيت و بصيرت مذهبى و حيات وجدانى است حقير, اين ضمير و ايمان و اعتقاد را به شما تبريك گفته و از خداوند متعال برايتان دوام توفيق , كمال ايمان و يقين , مسالت مى نمايم .

اگـر چـه بـه واسـطـه كثرت مشاغل و قلت فرصت , سعى بر اين بود كه در جواب ايجاز و اختصار رعايت شود, ولى معنويت اين مطالب و حلاوت و لذتى كه براى روح انسان در تذكار و يادآورى آنها فـراهـم مـى شـود, خود به خود, موجب بسط كلام مى گردد, به طورى كه اگر عنان قلم كشيده نـشـود, نـفس هيچ گاه ازبيان اين معانى دلپذير, سير نگشته و قلم از نوشتن آن باز نمى ماند, ((و الحمدللّه الذى هدانالهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا اللّه )) ((٤١)) .

اما پند و اندرز براى خودم و براى شما و همگان :

اوضـاع جـهـان و دگرگونى احوال مردمان , و تغيير و تحولات در هر عصر و هر زمان , بلكه در هر لحظه است كه همه مشتمل بر پند و موعظه و معرفت آموز و هدايت بخش است , هر ذره اى از ذات , هـر برگ درخت , هر قطره باران , هر سلول , هر جنبنده و هر حيوان , جماد, نبات , انسان , كوه , دريا, سـتاره , منظومه وكهكشان و هر كدام و هر يك , عالمى از حقايق و كتابى از معانى و معارف و راه و طـريـقـى به سوى خداست سنت الهى لبس و خلع , حيات و موت , عوض شدن مظاهر و تازه شدن نـعـمتها و كهنه شدن نوها,پيدايش ها و آغازها, و فرجامها و پايان مهلتها و عمرها و انقراض دولتها, بـراى خـردمندان همواره بهترين موعظه بوده و هست , ((ذلك بان اللّه هو الحق و ان مايدعون من دونه الباطل و ان اللّه هو العلى الكبير)) ((٤٢)) .

كدام نقطه و حرف و كلمه اى از كتاب آفرينش و كدام پديده و مخلوق كوچك و بزرگ است كه در آن آثـار قـدرت بى نهايت و حكمت و علم نامنتهاى الهى مشهود نباشد, و آدميان غافل را با نهيب و هشدار ازخواب غفلت بيدار نكند و به انديشه در عاقبت كار, وادار نسازد و در برابر عظمت آفريننده يـگـانـه و يكتاى اين جهان هستى , خاضع و خاشع ننمايد و به سجده نيندازد و زبانش را به توحيد, تهليل , تسبيح و تكبيرنگشايد و مثل مضامين اين دعا را بر گوش جان او نخواند:

((الـلـهـم انـه فـى السموات دورات و لا فى الارض حركات و لا فى العيون لحظات و لا فى البحار قـطـرات و لا فـى الا شجار ورقات و الا و هى لك شاهدات و عليك دالا ت و فى ملكك متحيرات )) ((٤٣)) .

آرى , همه شواهد, وجود خدا و دلايل علم و حكمت وقدرت اويند, .

برگ درختان سبز در نظر هوشيار ـــــ هر ورقش دفترى است معرفت كردگار .

((ان نـظـرت الى الا شجار رايتها دفاتر سطرت على اوراقها ادلة وجوده اوالى البحار وجدتها زاخرا مـن بحر كرمه و جوده جميع ما فى الكون ناطق بتسبيحه و مجده و ان من شئ الا يسبح بحمده )) ((٤٤)) .

در حـالـى كـه تـمـام اجزا و اعضاى جهان , از اتم تا كهكشانها و هر جرم و كره اى كه از آن بزرگتر يـاكـوچكتر نيست , همه به قدرت الهى در حركت و سير و گردشند, و اين حركت تكوينى در خود انسان و دراعضا و اجزاى ذرات وجودش , در جريان است , همه با زبان بى زبانى , هشدار مى دهند كه در عرصه اراده واختيار نبايد از قافله حركت باز ماند, بايد حركت كرد, به جلو رفت و سكون و توقف جايز نيست .

حـيـف اسـت كـه انسان اين همه مواعظ و هشدارها را با گوش دل نشنود, و عمرش را به غفلت و بطالت و عبث و بازى تمام كند .

در احـاديـث شـريـفـه اسـت كـه : ((هـر كـس دو روز او مساوى باشد, مغبون و زيانكار است و هر كس امروزش از ديروزش بدتر باشد,ملعون است )) ((٤٥)) .

هـر چـه مى بينيم , همه به ما مى گويند بهوش باشيد كه وقت مى گذرد, فرصت از دست مى رود, جوانى را پيرى , تندرستى را بيمارى و زندگى را مرگ و ممات در پى است , تا فرصت هست و توان داريـد بپاخيزيد و براى راهى كه در پيش داريد و بسيار دور و دراز است , زاد و توشه فراهم نماييد, فراموش نكنيدكه اميرالمؤمنين , عليه السلام , مى فرمايد:

((كفى بذلك واعظا لمن عقل و معتبرا لمن جهل )) ((٤٦)) .

امـا جـواب سـؤال اول , كـه اگـر قـرار باشد خداوند متعال يك آرزوى شما را برآورده كند, در اين صـورت بـهـترين و مهمترين آرزوى شما چيست ؟ سؤال بسيارمهمى است كه غير ازائمه طاهرين , عـلـيهم السلام , كه راسخين در علم و معادن بصيرت و معرفت و كمالات عاليه و ملهم به الهامات خاصه ربانيه هستند, كسى نمى تواند جواب كافى و شافى از آن بدهد .

نـمـى دانـم از خـدا بـا چنين شرطى كه يك آرزو و حاجتم برآورده باشد, چه درخواستى بنمايم و كدام يك از حوايج خود را مسالت كنم ؟ .

آيا از درگاه او ايمان ثابت , رضا و رضوان او را بخواهم ؟ .

يا فرج و ظهور آقا, حضرت صاحب الامر, ارواح العالمين له الفدا, را مسالت نمايم ؟ .

يا عرض كنم ((الهى اجعلنى كما تحب و كما تريد))؟ ((٤٧)) .

يا براى همه بندگان خدا, خير و سعادت دنيا و آخرت و هدايت بخواهم و يا .

ولـى مـن خـدا را باسطاليدين بالعطيه مى دانم , مى دانم كه از خزاين رحمت و كرم او هر چه انفاق وبـخشش و عطا شود, چيزى كم نمى شود همه دعاها را مستجاب مى فرمايد او فياض مطلق است , ((لايـشـغـلـه سـمع عن سمع يعطى من ساله و يعطى من لم يساله )) ((٤٨)) است كرم وعطاى او محصور و معدود نمى شود, ((لاتنفد خزائنه و لا تزيده كثرة العطا الا جودا وكرما)) ((٤٩)) .

--------------------------------------------

پاورقى ها

١- شمس , آيه ٩ , به راستى هر كس آن [نفس ] را پاكيزه داشت , رستگار شد.

٢- نـحـل , آيـه ٩٧ , هـر كـس از مـرد يـا زن , كه كار نيك كند و مؤمن باشد , به زندگانى پاك و پسنديده اى زنده اش مى داريم و به بهتر از آنچه كرده اند پاداششان را مى پردازيم .

٣- ذاريات , آيه ٥٥ , اندرز , مؤمنان را سود دهد .

٤- آل عـمـران , آيـه ١٩١ , و در آفـريـنـش آسـمـانـهـا و زمـين مى انديشند كه پروردگارا اين را بيهوده نيافريده اى ! .

٥- اعـراف , آيـه ١٧٩ , دلـهايى دارند كه با آن در نمى يابند , و ديدگانى دارند كه با آن نمى بينند , وگوشهايى دارند كه با آن نمى شوند .

٦- قـصـص , آيـه ٨٣ , ايـن سـراى آخـرت است , آن را براى كسانى كه در روى زمين نمى خواهند سركشى و تبهكارى كنند , مقرر داشته ايم , و سرانجام نيك , از آن پرهيزكاران است .

٧- كهف , آيه ٤٥ , و براى آنان زندگى دنيوى را به آبى مثل بزن كه آن را از آسمان نازل كنيم و به آن گـل و گياه زمين آميزد , و سرانجام خرد و خوار شود كه بادها پراكنده اش كنند , و خداوند بر هر كارى تواناست .

٨- زلـزال , آيـات ٧ و ٨ , پـس هـر كـس همسنگ ذره اى , عمل خير انجام داده باشد , [پاداش ] آن رامى بيند و هر كس همسنگ ذره اى عمل ناشايست انجام داده باشد , [كيفر] آن را مى بيند .

٩- يوسف , آيه ١٠٥ , و چه بسيار نشانه [و مايه عبرت ] در آسمانها و زمين هست كه بر آن مى گذرند وهم آنان از آنها رويگردانند .

١٠- دخـان , آيـات ٢٥ , ٢٦ , ٢٧ , چـه بـسـيار باغها و چشمه ساران از خود باقى گذاردند , و [نيز] كشتزارها وخانه هاى نيكو و نعمتى كه در آن خوش و خرم بودند . ١١- شـعـرا , آيـات ٢٠٥ , ٢٠٦ و ٢٠٧ , مـلاحـظـه كـن كه اگر سالها برخوردارشان سازيم , پس از آنچه بيمشان داده ايم , به سراغ آنان آيد , آن برخورداريشان به كار آنان نيايد .

١٢- كلينى , محمد , كافى , ج ٢ , ص ٤٥٣ .

١٣- از اصحاب حضرت امام جعفر صادق , عليه السلام .

١٤- اعراف , آيه ٢٠٥ , و از غافلان مباش .

١٥- عـنـكـبـوت , آيه ٦٩ , و كسانى را كه در حق ما كوشيده اند , به راههاى خاص خويش رهنمون مى شويم , و بيگمان خداوند با نيكوكاران است .

١٦- فـيـض كـاشـانـى , مـحـسـن , الـمـحجة البيضا , ج ٢ , ص ٢١١ , ان القلوب تصدع كما يصدع الحديد,فقيل يا رسول اللّه : و ما جلاها , فقال : تلاوة القرآن و ذكر الموت .

١٧- عوف بن اسلم , معروف به ابى حمزه ثمالى , از اصحاب حضرت امام زين العابدين , عليه السلام .

١٨- قمى , حاج شيخ عباس , مفاتيح الجنان , و ترجمه اين عبارات چنين است : خداى من ! چه شد كـه هـر بـار گفتم درون خويش را, اصلاح مى كنم و همنشين توبه كنندگان مى شوم , گرفتاريى پيش آمدكه ثبات قدم را از من گرفت و ميان من و خدمت به تو جدايى افكند مولاى من ! شايد كه مـرا از درگـاه خـويـش رانده اى و از خدمت [بندگى , در بارگاه قدست ] محروم كرده اى يا آنكه ديـدى من در حق توكوتاهى كردم , پس تو نيز مرا از خويش دور كردى يا آنكه ديدى من از تو روى گردانم , پس بر من خشم گرفتى يا شايد مرا در زمره دروغگويان يافتى از اين روى , رهايم كردى يا شـايـد ديـدى كـه مـن سپاسگزار مواهب تو نيستم , پس تو نيز بى نصيبم گذاشتى يا شايد آنكه مرا هـمـنشين عالمان نديدى و از همين روى خوارم نمودى يا آنكه مرا در ميان غفلت زدگان ديدى و چـنـيـن شـد كـه ازرحـمتت , نااميدم كردى يا آنكه مرا در ميان اهل باطل ديدى , پس مرا به آنان واگذاردى .

١٩- انـعـام , آيـه ١٥٣ , و بدانيد كه اين راه راست و درست من است , پس آن را در پيش گيريد , و بـه راهـهاى ديگر نرويد كه شما را از راه او دور اندازد , اين چنين به شما سفارش كرده است , باشد كـه تـقوا پيشه كنيد [و در امان مانيد]٢٠- ابن ابى جمهور احسائى , عوالى اللئالى , ج ٢ , ص ٥١, آن كس كه پايان زندگيش به قيام شبانگاهان باشد, بهشت از آن اوست .

٢١- ابـن ابـى جمهور احسائى , عوالى اللئالى , ج ٤ , ص ٨٠ , راستى كه شما هرگز نتوانيد با اموال خويش عهده دار مردم گرديد, پس با اخلاقتان چنين باشيد . ٢٢- شـورى , آيـه ٢٣ , بـگو براى آن كار از شما مزدى نمى طلبم , مگر دوستدارى در حق نزديكان [اهـل بـيـتم ]٢٣- ابن ابى الجمهور احسائى , عوالى اللئالى , ج ٤ , ص ٨٠ , انى شافع يوم القيامة لا ربـعة اصناف و لوجاوا بذنوب اهل الدنيا : رجل نصر ذريتى و رجل بذل ماله لذريتى عند المضيق و رجل احب ذريتى باللسان و بالقلب و رجل يسعى فى حوائج ذريتى اذا طردوا و شردوا .

٢٤- ابـن ابـى جـمهور احسائى , عوالى اللئالى , ج ١ , ص ٣٥٨ , هر كس , فقيهى را احترام كند, در روزقـيـامـت به ملاقات خداوند, در حالى نايل گردد كه پروردگارش از او خشنودست و هر كس فقيهى راسبك شمرد, در قيامت , خدايش را در حالى مى بيند كه از او خشمگين است .

٢٥- سوره بقره , آيه ١٥٩ .

٢٦- ابـن ابـى جـمـهـور احـسـائى , عـوالـى الـلـئالى , ج ٤ , ص ٧٠ , آنگاه كه در امت من بدعتها پديدارگشت , پس بر عالم (دينى ) است كه دانسته هاى خويش را بيان كند و اگر چنين نكرد, پس لعنت خدابر او باد .

٢٧- مجلسى , محمد باقر , بحارالانوار , ج ٧٠ , ص ٧٤ .

٢٨- بقره , آيه ١٥٢ , پس مرا ياد كنيد , تا شما را ياد كنم .

٢٩- ابـراهـيـم , آيـه ٧ , اگـر شكر كنيد بر نعمت شما مى افزايم , و اگر كفران بورزيد [بدانيد كه ] عذاب من سخت و سنگين است .

٣٠- مفيد , ارشاد , ج ٢ , ص ١٦٥ .

٣١- زمر , آيه ٦٠ , [به آنان گويند] آيا منزلگاه متكبران در جهنم نيست ؟ .

٣٢- كنز العمال , ص ٢٢٨ , كسانى كه در اين دنيا مال اندوزند , در آخرت دستشان تهى است .

٣٣- صدوق , معانى الاخبار , ص ٣٩٨ .

٣٤- كـلـيـنى , محمد , كافى , ج ٢ , ص ١٠٥ , قال الصادق , عليه السلام : لاتنظروا الى طول ركوع الـرجل وسجوده , فان ذلك شى اعتاده , فلوتركه ,استوحش لذلك و لكن انظروا الى صدق حديثه و ادا امانته .

٣٥- عاملى , حر , وسائل الشيعة , ج ١٦ , ص ٤٥٩ .

٣٦- مـجادله , آيه ٢٢ , قومى نيابى كه به خداوند و روز بازپسين ايمان داشته باشند و با كسانى كه بـاخـداونـد و پـيـامـبـر او مـخالفت مى ورزند , دوستى كنند , ولو آنكه پدرانشان يا فرزندانشان يا برادرانشان يا خاندانشان باشند اينانند كه [خداوند] در دلهايشان [نقش ] ايمان نگاشته است .

٣٧- توبه , آيه ٢٤ , بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالى كه بـه دسـت آورده ايـد و تـجارتى كه از كسادش مى ترسيد , و خانه هايى كه خوش داريد , در نزد شما ازخـداونـد و پـيامبرش و جهاد در راهش عزيزتر است , منتظر باشيد تا خداوند فرمانش را به ميان آورد ,و خداوند, نافرمان را هدايت نمى كند .

٣٨- قـصـص , آيـه ٨٣ , ايـن سراى آخرت است , آن را براى كسانى كه در روى زمين نمى خواهند سركشى و تبهكارى كنند , مقرر داشته ايم , و سرانجام نيك , از آن پرهيزگاران است .

٣٩- ذاريـات , آيـات ٢٠ و ٢١ , و در زمـيـن مـايـه هاى عبرتى براى اهل يقين هست و نيزدر وجود خودتان .

٤٠- يـوسـف , آيـه ١٠٥ , و چـه بـسـيـار نشانه [و مايه عبرت ] در آسمانها و زمين هست كه بر آنان مى گذرند وهم آنان از آنها رويگردانند .

٤١- اعـراف , آيـه ٤٣ , سپاس خداى را كه ما را به اينجا رهنمون شد و اگر خداوند راهبر نمى شد , هرگز راه نمى يافتيم .

٤٢- لـقـمـان , آيـه ٣٠ / حـج , آيـه ٦٢ , ايـن از آن است كه خداوند بر حق است , و آنچه به جاى او مى پرستند, باطل است , و همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است .

٤٣- ر ك بـه سـيـد عـلـى خـان , كلم الطيب , بارخدايا! براستى كه هر چرخشى در آسمانها و هر حركتى درزمين و هر نگاهى در چشمها و هر قطره اى در درياها و هر برگى از درختان , همه بر تو گواه و دليلندو در ملك تو , متحير و سرگردانند .

٤٤- اگـر بـه درخـتـان بـنگرى , مى بينى كه آنها دفترهايى است كه بر برگهاى آن دلايل وجود خداوند ,نوشته شده و اگر به درياها بنگرى آنها را سرشار از درياى بخشش وجود خدايى بينى تمام آنچه درعالم وجودست به تسبيح و تمجيد او گوياست , و هر آنچه هست تسبيح گوى و سپاسگزار اويند .

٤٥- مـعـانـى الاخبار , ص ٣٤٢ , قال الصادق , عليه السلام : من استوى يوماه فهو مغبون و من كان اخريوميه خيرهما فهو مغبوط و من كان آخر يوميه شرهما فهو ملعون .

٤٦- نهج البلاغه , خطبه ١٩٠ , اين اندازه پند , خردمند را كفايت است و نادان را مايه عبرت .

٤٧- بارخدايا! مرا آنسان قرار ده كه مى پسندى و مى خواهى .

٤٨- كـلينى , محمد , كافى , ج ٢ , ص ٥٩٣ , هيچ گوش سپردنى او را از شنيدن صدايى ديگر , باز ندارد وهم به آنكه بخواهد و هم به آنكه درخواست نكند , عطا مى كند .

٤٩- دعـاى افـتتاح , مفاتيح الجنان , گنجينه هاى او پايان ناپذيرست و عطاى بسيار , او را جز جود وبخشش نيفزايد .

## سئوال ٨ = راهنمائى جوانان مشرف به تكليف

او در كتاب كريمش و وحى نازل بر حضرت خاتم الانبيا, صلى اللّه عليه و آله , به همگان براى حضور درمـشهد دعا, بار عام و اذن مطلق داده و با اعلان و بلكه فرمان ((و قال ربكم ادعونى استجب لكم ان الـذيـن يـسـتـكبرون عن عبادتى سيدخلون جهنم داخرين )) ((٥٠)) همه را به دعا مامور و باب استجابت آن را بر روى همه گشوده است .

لذا من همه حوايجم را, كه هر چه هستم و دارم , حاجت و نياز است , از او مى خواهم و رحمت واسعه وربـانيت و فياضيت نامتناهى او را محدود و متناهى نمى شمارم و فخرم اينست كه سراپاى وجودم , فقر و حاجت به اوست و عزتم به اينكه كارساز و قاضى الحاجات اوست .

ولـى يـادآور مـى شـوم كـه دعـاهـاى بنسبت جامع و فراگير مقاصد و مطالب , در ادعيه مرويه از حـضرت رسول اكرم و اهل بيت معظم ايشان , صلوات اللّه عليهم اجمعين , بسيار است و چون همه , منتخب و گزيده است , نمى توان از آنها يك يا چند دعا را برگزيد و انتخاب كرد .

اگر بتوانيم از كتابهاى معتبرى كه اصحاب ائمه , عليهم السلام , و علما و محدثين تاليف كرده اند, هـمـه ,فـيـض يابيم و بهره مند شويم , به خزاين بى شمارى در هدايت و رحمت الهى دست خواهيم يافت .

اين دعاها علاوه بر آنكه متضمن بيان نيازمندى هاى حقيقى بشر و مسالت قضاى حوايج , ازحضرت قاضى الحاجات و سامع الدعوات است و خواننده را به فقر كامل و نياز تمام او به خداوند غنى بى نياز, مـتوجه مى نمايد, و به بهترين حالات معنوى و حضور و خشوع و خضوع و مقامات قرب و لذت انس با خدا نايل مى نمايد, درهاى علوم و معارف و اخلاق كريمه و آداب فاضله را به روى اومى گشايد .

بيقين اگر راهنمايى آن بزرگواران , به اين دعاها نبود, بشر نمى توانست مدارج بلند و معارج كمال ويقين و ايمان را كه در پرتو دعا و توجه به خدا فراهم مى شود, طى نمايد, اين دعاهابه ما مى آموزد كه خدا را چگونه و با چه اسما و صفاتى بخوانيم , و از او چه بخواهيم .

ايـن دعـاهـا و بـخصوص , دعاهايى كه در قرآن مجيد است ,همه نور, ايمان , سير الى اللّه و فراغت و خـلاصى از علايق دنيه دنيويه و حظوظ نفس بهيميه , ارتقاى به درجات ملكوتيه و خوض و غور در بـحـار رحـمـت و مـغـفـرت و بـركـات حـقيقيه است كه امام زين العابدين , عليه السلام , در يكى ازمـناجاتهايش , به درگاه خداوند عرض مى كند: ((يا من حاز كل شى ملكوتا و قهر كل شى جبروتا صـل عـلـى مـحمد و آل محمد و اولح قلبى فرح الاقبال اليك والحقنى بميادين المطيعين لك )) ((٥١)) .

ايـن دعـا را كه مى خوانيم , مى فهميم كه اگر ما خود مى خواستيم از خدا چيزى بخواهيم , هرگز ايـن مـطالب بزرگ را نمى يافتيم , حاجت خود را به اين مطالب و مراتبى كه در اين دعا است درك نمى كرديم وبه همان طلب يك سلسله حوايج جسمانى و دنيايى ,بسنده مى كرديم .

آن حـضـرت در جـريـان هـمـيـن حـال حضور و نيايش , ديگر باره چنين در درگاه خدا, زبان به دعامى گشايد:

((يـا مـن قـصده الضالون فاصابوه مرشدا و امه الخائفون فوجدوه معقلا ولجا اليه العابدون فوجدوه موئلا متى فرح من قصده سواك بنيته و متى راحة من نصب لغيرك بدنه الهى قد تقشع الظلام و لم اقـض مـن خـدمـتـك وطرا و لامن حياض مناجاتك صدرا صل على محمد و آل محمد و افعل بى اولى الا مرين بك يا ارحم الراحمين )) ((٥٢)) .

دعـاهـاى صـحـيـفـه مباركه علويه و صحيفه كامله سجاديه و صحيفه ثانيه و ثالثه و رابعه و ساير ادعيه ماثوره , از اهل بيت , عليهم السلام , همه مشتمل بر مضامين جامع , معرفت آموز, بصيرت افزا و تـربـيـت بخش است , روح را نشاط مى بخشد, قلب را جلا و صفا مى دهد, تيرگيها را مى زدايد و به شوق و اشتياق شخص , براى سير در عوالم معنا و حقيقى مى افزايد .

از دعاهاى جامع , طلب توفيق , عافيت , مقام يقين , تفويض , تسليم , توكل و رضا است .

در دعـاهـايـى مـثـل دعـاى مـكـارم الاخـلاق , آنـچه فطرت پاك و نياز واقعى دعاكننده است , از خـداخواسته مى شود و در همه آنها, انسان , هر كس و هر شخصيت و صاحب هر مقام و فضليتى كه بـاشـد, خـودرا نـاچيز و سراپا فقر و احتياج مى بيند, در برابر خداوند غنى بالذات و كامل بالذات , تا مـى تـوانـد عـرض حقارت و ضعف و مسكنت مى نمايد با اين حال خود را قوى و قدرتمند و پيروز و شكست ناپذيرمى سازد و با سلاح دعا, خود را در مقابل خطرناك ترين تيرهاى حوادث مسلح مى كند .

اهـل دعـا را تـوفـان هـاى بـلا بـيـچـاره نمى نمايد و سختى ها و شدايد از پاى در نمى آورد, ياس و نااميدى بر آنها چيره نمى شود, رجا و اميد آنها به خدا و حول و قوه خداست , با مثل اين دعا: ((اللهم انـى اسالك ايمانا تباشر به قلبى و يقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبنى الا ماكتبت لى و رضنى من الـعـيـش بـمـا قـسمت لى )) ((٥٣)) مقاوم و توانا, با سر پنجه ايمان و يقين ,بر همه مشكلات فايق مى شوند و از مواضع ايمانى خود عقب نشينى ندارند, ((حسبنااللّه و نعم الوكيل )) ((٥٤)) و ((افوض امـرى الـى اللّه )) ((٥٥)) و ((انـا للّه و انا اليه راجعون )) ((٥٦)) و ((لاحول و لا قوة الا باللّه )) ((٥٧)) هـمـه نـقـاط ضـعـف آنها را به قدرت مبدل مى نمايد, يا مثل اين دعا, به لفظ كوتاه و مختصر و به مضمون جامع و پر از معنا و معرفت , كه بر حسب روايات حضرت رسول اكرم ,صلى اللّه عليه و آله و سـلـم , بـه دخترش , سيدة نسا العالمين , تعليم داد: ((يا حى يا قيوم برحمتك استغيث لاتكلنى الى نـفـسى طرفة عين و اصلح لى شانى كله )) ((٥٨)) دعا كننده , خودرا در حفظ و حراست خدا و در حمايت عنايت او مى بيند و از هر كمى و كاستى و ضرر و زيان , بى بيم و هراس مى شود .

اصـلا دعـا و خـوانـدن خـدا, خودش و حقيقتش , از حوايجى كه مى خواهم مهم تر و فيض بخش تر اسـت هـمـه چيز و همه حوايج , كوچك و بزرگ , حقير و كبير را, بايد از خدا خواست كه آنچه در آن خواستن وخواندن است , عين اجابت و به مطلب رسيدن است .

خـوشـا بـه حـال بـخت يارانى كه همواره با دعا با او در ارتباط و راز و نيازند و بدا به حال آنهاييكه ازتوفيق دعا و لذت دعا بى نصيبند, حقيقت عبادت و پرستش خدا, دعا است .

قال اللّه تعالى : ((و قال ربكم ادعونى استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتى سيدخلون جهنم داخرين )) ((٥٩)) , اى , يستكبرون عن دعائى .

در حديث است : ((الدعا مخ العبادة )) ((٦٠)) ,دعا مخ و مغزعبادت است .

و هـم در روايـات شـريفه است كه از حضرت صادق , عليه السلام , سؤال شد كه دو نفر با هم شروع به نماز كردند و با هم از نماز, فراغت يافتند يكى از آنهادعايش در نماز بيشتر بود و ديگرى قرائتش , فـضـيـلت كدام بيشتر است ؟ فرمود: هر دو با فضيلت است سؤال كننده عرض كرد: مى دانم هر دو بـافضيلتند, كدام افضل است ؟ فرمود: آنكه دعايش بيشتر است , افضل است , ((هى واللّه العبادة هى واللّه العبادة هى افضل )) ((٦١)) .

از خـداونـد مـتـعـال , مسالت مى نماييم كه دلهاى ما را به انوار شوق و علاقه به دعا منور فرمايد و حـال اقبال به دعا به ما عطا فرموده , هماره و در همه حالات , ما را از بركات دعا مستفيض فرمايد و بـخصوص باتوفيق دعا براى حضرت بقية اللّه , ولى عصر, ارواح العالمين له الفدا, و طلب تعجيل در فرج و ظهور آن حضرت , ما را قدردان نعمت ولايت آن صاحب زمان و ولى دوران , قرار دهد .

٢ ـ انشا اللّه , اگر خداى سبحان در عالم قيامت به جنابعالى مقام شفاعت عنايت نمود, آيا بنده را شفاعت خواهيد كرد يا خير؟ .

و در خاتمه , ضمن تقاضاى پند و اندرز, از جناب عالى استدعا دارم كه جواب را با دستخط شريف و مهرمبارك , مزين فرماييد .

امـا در مـورد سـئوال دوم , اولا, امـيـد دارم شـخـص شـمـا با اين روحيه ايمانى پاك و ولايت اهل بـيـت ,عـليهم السلام , كه با الزام به تكاليف شرعيه توام است , از شفعا باشيد, زيرا بر حسب روايات , مؤمنين نيز درقيامت از شفعا هستند .

ثانيا, همه , چشم اميد به شفاعت كبراى حضرت رسول اكرم , صلى اللّه عليه و آله و سلم , و اهل بيت طـاهرين آن حضرت , عليهم السلام , داريم اگر بتوانيم رابطه خود را با آن بزرگوار نگاه داريم و با آن بـه عـالـم ديـگر برويم ,هر چند شفعا در روزقيامت بسيارند ـ كه از آن جمله , شفاعت علما, كه پـاسـداران واقـعـى دين و احكام و مدافع از حدود و ثغور اسلام و جنود حضرت صاحب الامر, عليه الـسـلام , هـستند, و آنچه موقعيت درخشان و جلوه خاصى دارد, همان شفاعت محمد و آل محمد, صلوات اللّه عليهم , است كه شيعيان و مؤمنان را به سر منزل نجات و علو درجات نايل مى نمايد و با اين شفاعت جا دارد كه بگوييم :

طوبى كه خورد آب ز سر چشمه كوثر ـــــ فارغ بود از تربيت باد بهارى .

امـثـال شما مؤمنان متعهد را چه حاجتى به شفاعت مثل اين بنده حقير سراپا تقصير, مى باشد, كه اگرهم از شفاعت به سهمى مفتخرم سازند, آن هم به شفاعت محمد و آل محمد, صلوات اللّه عليه و عليهم , است .

بـر حـسـب احـاديـث شـريـفـه , در صـورتى كه موانع شمول شفاعت در اشخاص نباشد, صاحبان درجـات عـالـى و اعـلا, از صاحبان مراتب پايين تر و ادنا, شفاعت مى نمايند اين شفاعت نه فقط در ارتـبـاط با عفو ازگناهان است , بلكه شامل اخيار و محسنين نيز مى شود و بر علو درجات و كثرت اجر و ثواب آنهامى افزايد .

لذا بر حسب اطلاق روايات , حضرت رسول اكرم , صلى اللّه عليه و آله و سلم , از كل افرادى كه مانعى ازشفاعت از آنها نباشد, شفاعت مى فرمايد, از عصات و گناهكاران امت , از اخيار و صديقين و شهدا وصالحين و بلكه انبيا و ائمه طاهرين , عليهم السلام .

شـفـاعـت از گـنـاهـكاران , موجب بخشش و عفو آنان و [شفاعت ] از ديگران موجب ارتقاى مرتبه وتـقـرب بيشتر مى گردد, به اين معنا, شفاعت حضرت رسول اكرم و ائمه طاهرين , عليهم السلام , همه شخصيت ها و صاحبان مقامات بلند و همه مؤمنين را شامل مى شود و وسايل و اسباب شفاعت از عـصـات نـيـز بـقدرى فراگير است كه حتى نام آنها را نيز فرا مى گيرد, و در صورت ضرورت , كـسـانى كه به نام محمد وعلى و فاطمه و حسن و حسين و نام گذارى شده اند نيز شفاعت , شامل حال آنها مى گردد .

و راسـتـى جـاى تـعـجب است اگر با اين همه شفعا, خصوصا شفاعت كبراى حضرت شفيع الامة , بلكه چنانكه گفته شد, شفيع الانبيا و شفيع الملائكه , ـ پيامبر عظيم الشان اسلام , صلى اللّه عليه و آلـه و سـلـم , ـ وشـفـاعـت اهـل بـيت آن حضرت , صلوات اللّه عليهم اجمعين , و با اين همه اجر و ثـواب هـايى كه براى انواع عبادات و طاعات و اعمال خير و صنوف كارهاى نيك و بر مقرر شده و با اين كه باب توبه مابين مشرق و مغرب بازاست و با وسايل ديگرى كه همه موجب ظهور رحمانيت و رحـيـميت و مغفرت و بخشش خداوند متعال است , شخص , گرفتار تيه شقاوت و سقوط در هاويه عذاب و هلاكت گردد و اگر چه شخصى قليل المعرفت گفت : ((عجبت لمن نجى كيف نجى )), سـخـن حـق و كـامـل و تـمـام آن اسـت كـه امـام , عليه السلام , فرمود: ((عجبت لمن هلك كيف هـلـك )), ((٦٢)) زيرا نجات يافتن و سعادتمند شدن , حق ,است و مى بايد كه انسان سعيد و رستگار شود و شقاوت و محروم شدن از فيض خدا, باطل و خلاف اصل است .

بـايـد انـسـان , خـود را در مـسـير كسب اين همه فيوضات ربانيه قرار دهد و راههاى تابش آفتاب رحـمـت حـق را بر روى خود نبندد و همواره از اينكه گناه , او را به سياه چالى بيندازد, كه بيرون آمـدن از آن ناممكن شود, بيمناك باشد و از سؤ عاقبت و استدارج , هميشه بر حذر باشد و آيه زير را كـه نـتيجه استمرار درمعاصى و گناه را تكذيب و استهزاى به آيات خدا را اعلام مى كند, فراموش ننمايد, .

((ثـم كان عاقبة الذين اسؤا السواى ان كذبوا بايات اللّه و كانوا بهايستهزون )) ((٦٣)) تا خود را به سؤ اخـتـيـار خـود, در هـلاكت حقيقى نيندازد, نه به رحمت خدا و مغفرت او مغرور گردد و نه از آن مايوس و نااميد شود .

و بـطـور خـلاصـه , در بين تمام عوامل بسيار نجات , و اسباب هلاكت و دمار, بايد بين خوف و رجا بـه سوى رضوان خدا و سعادت دنيا و عقبا, هشيار و آگاه به جلو رفته , از شر شيطان و نفس اماره , به خداوندمتعال , پناه ببرد .

((و لا حول و لا قوة الا باللّه العلى العظيم و آخر دعوانا ان الحمدللّه رب العالمين )) .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٨ = راهنمائى جوانان مشرف به تكليف

محضر مبارك بزرگ مرجع جهان تشيع , حضرت آيت اللّه العظمى صافى (دامت بركاته ) .

با سلام و عرض خسته نباشيد و آرزوى قبولى طاعات آن مرجع عزيز به درگاه حضرت حق تعالى ! .

خواهشمند است با رهنمودهاى حكيمانه خويش , نوجوانان مشرف به تكليف را راهنمايى فرماييد .

از لطف شما صميمانه سپاسگزاريم .

مستدام باشيد , انشا اللّه .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

فـرزنـدان عـزيـز و نـوبـاوگـان گـرامـى كـه به سن بلوغ و شرف صلاحيت توجه تكاليف الهى و خطابات قرآنى نايل شده ايد! .

حقير به شما درك اين شايستگى را تبريك مى گويم .

تـوجـه داشـتـه بـاشـيـد, از اين تاريخ , شما به عضويت در جامعه اسلامى پذيرفته شده ايد كه روى اخلاق شما و گفتار شما و نيز كار شما حساب مى شود و خداوند به شما نشان و اعتبار عطا فرموده اسـت , كـه در هـمـه آيـات ((يـا ايـهـا الذين آمنوا)), ((٦٤)) به عنوان طرف خطاب و سخن او قرار مـى گـيريد و در جامعه نيزشما به همان اعتبار مهمى كه شرع مقدس ارزش و اعتبار داده , ارزش داريد .

كـار و سـخـن شـمـا كه تا پيش از اين اعتبار شرعى و قانونى نداشت , اكنون اعتبار شرعى مى يابد, تـاامـروز, ديـگران درباره شما تصميم مى گرفتند و صاحب اختيار شما بودند, ولى از امروز, خود, صاحب اختيار خودتان , مى شويد, از امروز محكوم به حكم كسى نيستيد, جز به حكم خدا و پيامبر و ائمه معصومين , عليهم السلام .

عـقـايـد خود را به توحيد, نبوت , امامت , معاد و به كتابها و پيمبران گذشته و ملائكه , با دلايل هر چندمختصر و در عين حال قوى و محكم , در ذهن خود حاضر كنيد, و سعى كنيد كه به حول و قوه الـهـى , براى خداوند متعال بنده اى صالح و براى پيامبر اكرم , صلى اللّه عليه و آله , پيروى راستين و براى ائمه طاهرين ,صلوات اللّه عليهم اجمعين , بخصوص صاحب الامر و ولى عصر, حضرت مهدى , حـجـة بـن الـحـسـن , ارواح العالمين له الفدا, شيعه مخلص و سربازى حقيقى , براى اسلام و قرآن پـاسـدارى امـين و براى همه مؤمنين ومؤمنات برادر يا خواهرى غمخوار و مهربان باشيد, و حقوق همگان مخصوصا حق پدر و مادر و اساتيد وعلما را رعايت كنيد و كوتاه سخن آنكه خود را به اخلاق كريمه اسلامى آراسته سازيد و در نيكى به خلق وقضاى حوايج مردم اهتمام نماييد, در علم و عمل و كـسـب مـعرفت و دانش , هر چه پيش مى رويد و به هرمقام و درجه اى كه مى رسيد, در آن درجه متوقف نشويد و به كمال بيشتر و مقامات بالاتر نظر داشته باشيد, از نعمتها و امكاناتى كه براى ترقى داريد, حداكثر استفاده را بنماييد .

از امروز قدر و ارزش عمر و فرصتها و حتى دقايق زندگى را بدانيد مبادا بيهوده تلف شود! هر يك ازشـمـا, چـنـان بـدانـيـد كه بايد شخص شما و باز هم شخص شما براى اسلام و براى امت اسلام , افتخارآفرين و موجب عزت و عظمت گردد .

اوقات خود را به بطالت , سستى , غفلت و خداى نخواسته اشتغال به مناهى و ملاهى ضايع نسازيد .

در جـهـاد بـا نـفس و هواى نفسانى , كه جهاد اكبر است , كوتاهى نكنيد و سعى كنيد بر غرايز خود مسلطباشيد .

چـنـان بـاشـيـد و چـنـان برويد كه در آينده , از ياد گذشته شاد و خوشحال شويد و سوابق خوب زندگى هميشه موجب اطمينان و آرامش قلب شما باشد .

عـزيـزان مـن ! تـكليف , يعنى اين گوى و اين ميدان , اين شما و اين همه فرصتهاى سعادت بخش , اين نيروها و استعدادهاى خداوندى , تكليف , يعنى ورود به دوره سازندگى , خودسازى , مسؤوليت و ورود درامـتـحـانات الهى و سرآغاز آمادگى براى سير راه تكامل و تعالى , تكليف , يعنى زندگى آگاهانه وخردپسند .

شما خود را براى اين زندگى آماده سازيد و خود را به هيچ چيز و به هيچ كس و به هيچ قيمت , جز به خدا و به ثواب خدا نفروشيد .

((فليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلاتبيعوها الا بها)), ((٦٥)) .

امـيرالمؤمنين , عليه السلام , مى فرمايد: براى نفس شما قيمتى جز بهشت نيست , جانتان و خودتان راغير از بهشت , به چيز ديگرى , نفروشيد .

تـلاش كـنـيـد كـه در هـر رشـتـه و شـغلى كه انتخاب مى كنيد براى جامعه عضوى مفيد و امين بـاشـيـد,چـنان بدانيد كه همه به سعى و تحصيل و تلاش شما نيازمندند, بايد به سهم خودتان اين نيازمنديها را برطرف نماييد .

خـدا را هـيـچـگـاه فـرامـوش نـكـنـيد و از ياد خدا و دعا و عبادت , بخصوص نماز و توسل به ائمه هدى ,عليهم السلام , و زيارت مشاهد مشرفه , نيرو بگيريد, به سوى سعادت و كمال پيش برويد و به لطف و كمك و مدد خداوند اميدوار باشيد كه در قرآن مجيد مى فرمايد:

((و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان اللّه لمع المحسنين )) ((٦٦)) .

خـداونـد مـتـعال همه شما را از ياران و سربازان واقعى حضرت بقية اللّه الاعظم , ارواح العالمين له الفدا, قرار دهد و بر توفيقات شما بيفزايد .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ٩ = مبارزه با نفس اماره

باسمه تعالى . محضر مقدس مرجع تقليد شيعه , آيت اللّه العظمى آقاى صافى گلپايگانى .

با سلام ! .

ايـنـجانب از اوايل دوره جوانى , در راه مبارزه با نفس اماره گام برمى دارم , ولى گاهى در راه اين جـهاد بزرگ ,ناموفقم نفس اماره مرا به كارهاى زشت وامى دارد و وجدان من پس از ارتكاب گناه , بسيار ناراحت و نگران مى گردد .

خواهشمند است با كلامى پيامبرگونه , به من پشت گرمى دهيد و يارم باشيد قبلا از شما متشكرم .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

روى ان رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله , قال :

((خـير امتى من هدم شبابه فى طاعة اللّه و فطم نفسه عن لذات الدنيا و توله بالاخرة ان جزاه على اللّه اعلى مراتب الجنة )) ((٦٧)) .

فرزند عزيزم ! .

نـامـه شـكـوايـيـه شما را خواندم اگر بيشتر مردم , شكايت از ديگران و از جريانهاى بيرون از خود دارنـد,شـمـا شكايت از خود و درون خود داريد كه معلوم مى شود با نفس خود و هواهاى نفسانى و شهوانى درگيريديا به عبارت ديگر با آنها در جنگ و جهاديد و در جهاد اكبر ـ كه به فرموده رسول اكرم , صلى اللّه عليه و آله وسلم , همان جهاد با نفس است ـ دشمن را قوى پنجه و نيرومند مى بينيد و از آن بيم داريد كه بر او, خداى نخواسته , پيروزى و ظفر نيابيد .

من به شما اطمينان مى دهم كه اگر در برابر اين دشمن مقاومت كنيد و عرصه را بر او تنگ نماييد واز آغـاز بـه پـيـشنهاد وخواسته هاى او گردن ننهيد, سرانجام بر او غالب شده و او اسير و رام شما خواهد شد .

ولـى اگـر به خواسته هاى او جواب مثبت بدهيد, خواهشهاى آن بسيار و بى شمار است و هر چه از اوفرمان ببريد, او فرمانهاى ديگر و بيشتر مى دهد و تا شخصيت انسانى و كرامت آدمى را نابود نكند و او رااز مقام خود, ساقط نسازد, قانع نمى شود .

دوران جـوانـى , دوره و مـيدان چنين جهاد و پيكارى است و بايد شخص اراده , مقاومت و پايدارى خـودرا نـشـان بـدهـد البته همه كس حريف نفس اماره نيست , پهلوانان حقيقى مى توانند در اين ميدان عرض وجود نموده و جايزه قهرمانى بگيرند .

شـمـا و هـر نـوجـوان و جـوانـى , خـواه و نـاخواه , اين زورآزمايى و اين امتحان بسيار بزرگ را بايد بـگذرانيد,ياد خدا را فراموش نكنيد و از او كمك بخواهيد كه خود وعده فرموده : ((والذين جاهدوا فـيـنـالـنهدينهم سبلنا و ان اللّه لمع المحسنين )), ((٦٨)) كسانى كه در راه خدا جهاد مى نمايند, البته خدا آنان را به راهى كه به او مى رسد, راهنمايى مى نمايد و خدا با نيكوكاران است .

ايـن مـعـنـويت و روحيه اى كه داريد ـ كه به وضع روحى و درگيرى عقل و نفس خودتان متوجه هـسـتيد ومى خواهيد كه نفس را مغلوب كرده و خود را از آفات هواى نفس سالم نگاهداريد ـ خود مرحله اى از كمال و آگاهى و بصيرت و بينش است اميد است همين آگاهى , شما را از اين گرداب ـ كه بسيارى از جوانان درآن گرفتار مى شوند ـ و از امواج و توفان شهوات نجات دهد .

ايـن كـار, اگر چه در آغاز دشوار جلوه مى كند, ولى وقتى انسان با هواى نفس مقاومت نموده و از آن پيروى نكرد, بسيار آسان مى شود .

سـعـى كـنـيـد بـا اشـخـاص مـجـرب و مؤمن مجالست كنيد, در جلسات موعظه و سخنرانيهاى مذهبى شركت كنيد, كتابهايى مانندمعراج السعادة , حياة القلوب و عين الحيات را مطالعه نماييد و با دعا و نيايش به درگاه خدا و خواندن دعاى كميل , دعاى ندبه , توسل به حضرت ولى عصر, ارواح العالمين له الفدا, خود را براى جهاد با نفس , مسلح كنيد .

اميدوارم پيروز, سعادتمند و موفق شويد و آينده بسيار روشنى پيش روى داشته باشيد .

حقير هم براى توفيق شما و ساير جوانان دعا مى كنم و از شما التماس دعا دارم .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٠ = راهنمائى در آغاز سال تحصيلى

محضر حضرت آيت اللّه العظمى آقاى صافى .

بـا سلام ! خواهشمندست در آغاز سال تحصيلى جديد, دانشجويان و دانش آموزان را با رهنمودهاى خويش ,راهنمايى فرماييد .

با تشكر .

ت بسم اللّه الرحمن الرحيم .

قال رسول اللّه , صلى اللّه عليه و آله و سلم , : ((الا ان اللّه يحب بغاة العلم )) ((٦٩)) .

دانش آموزان و دانشجويان عزيز, فرزندان اسلام .

سـلام و رحـمـت و بـركـات خـداونـد بـر شـما, كه با شور و شوق فراوان از سال فرخنده و مبارك تـحـصيلى جديد استقبال نموده , و گشايش درهاى مدارس و دانشگاهها و مراكز تعليم و تربيت را فتح باب ترقى وتعالى و كمال مى دانيد .

در حـديـث آمـده اسـت : تخلقوا باخلاق اللّه , ((٧٠)) يعنى به اخلاق خدا, خود را خلق و خوى دهيد وخود را به صفات خداوند آراسته سازيد .

در بـيـن صـفـات خـداونـد مـتعال , صفت علم , اشرف صفات و اسم العالم , اعظم اسماى صفاتيه اسـت بـيـشتر اسما و صفات جماليه و جلاليه , به اين اسم و اسم القادر و صفت قدرت برمى گردد بنابراين تزين به زينت و زيور علم و آراسته شدن به اين صفت , از اخلاق ديگر بالاتر و ارزنده تر است .

نـشـان يـافـتـن و نـشـان داشـتن از خدا, همان دارا بودن اخلاق كريمه الهى است كه مهمترين و سـرآمـدآنـها علم و قدرت , دانايى و توانايى است اين دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروريه و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از يكديگر ممكن نيست .

هر كجا دانايى باشد, توانايى هست و هر كجا توانايى باشد, دانايى هست پس در ميان آنچه بشرجسته و مى جويد و مطالب و خواسته هايى كه دارد, خواسته و مطلوبى از علم بالاتر نيست كه هر چه طالب آن , به مطلوب مى رسد, باز طلبش بيشتر و به مطلوب واصلتر مى شود .

قـال مـولانـا امـيـرالمؤمنين , عليه السلام : ((كل وعا يضيق بما جعل فيه الا وعا العلم فانه يتسع )) ((٧١)) .

دانش آموزان و دانشجويان عزيز:

فـرصـت را غنيمت بشماريد, درس بخوانيد تا آگاهى و معرفت پيدا كنيد درس بخوانيد تا خودتان وجامعه و اسلام را عزيز وسربلند كنيد درس بخوانيد تا خودتان و ديگران را از ظلمت جهالت نجات دهيد .

درس بـخـوانيد, براى اينكه مشكلاتى را كه در رشته هاى گوناگون علمى تاكنون لاينحل مانده , حـل نـماييد و با سرپنجه بينش و دانش گره هاى باز نشده از كار بشر را باز نماييد درس بخوانيد تا دانشمندشويد, بفهميد شما از ديگران در استعداد و نيل به مدارج عاليه كمال و معارج ساميه ابتكار و اختراع كمترنيستيد, بلكه قوى تر و رشيدتريد در اسباب و وسايل ظاهرى , هيچ وسيله اى بر غلبه و پيروزى براستكبار و استبداد قوى تر از علم نيست .

بدانيد كه دنيا و آينده آن براى ملتهاى عالم و دانا است , و اين شماييد كه بايد ملت اسلام را به مجد وعـزت ديـرين و بيشتراز آن برسانيد, همتها را بلند كنيد نيل به همه مدارج علمى را قابل تحصيل بدانيد .

خـداونـد مـتـعال به بشر و اين مخلوق هنوز هم ناشناخته , لياقت تسخير كاينات زمينى و آسمانى راعطا كرده , يا به بيان ديگر, آنها را مسخر او گردانيده است .

بـه پـيـش بـرويد و اسرار كاينات و آيات علم و قدرت خدا را كشف كنيد عزت و قوت و استقلال و هـرچـيـز خوبى كه فطرت سالم و پاك بشر, طالب آن است , با علم فراهم مى شود و ذلت و ضعف و زبونى ,نتيجه جهل و ناآگاهى است .

خـود را بـراى اسـلام و بـراى اعـلاى كـلـمة اللّه و براى حصول اهداف الهى , قرآنى و براى خدمت بـه مـحـرومـان و نـجات مستضعفان آماده سازيد و هر رنج و تلاشى را كه در تحصيل علم متحمل مـى شـويـد, بـانـيت خالص و پاك آن را فى سبيل اللّه و در راه خدا و راه آسايش خلق خدا محسوب داريد, تا از اجر و ثواب بسيار برخوردار شويد .

بدانيد كه همه در انتظار شما هستند خداوند متعال از شما سعى و عمل و مجاهدت مى خواهد .

اسـلام و پـيـامـبـر عـظـيـم الشان در انتظار تحصيلات دبستانى و دبيرستانى و دانشگاهى , و بعد هم تحقيقات علمى شما هستند .

ائمـه طـاهرين , عليهم السلام , بخصوص حضرت بقية اللّه ,امام عصر, ارواح العالمين له الفدا, از شما انتظار دارند .

نـظـر هـمـه و تـمام جامعه به اين مراكز علمى و كلاسهاى تعليماتى و درس دوخته شده كه شما چـگـونـه عـمـل مـى كـنـيد و چگونه تلاش مى كنيد و چگونه خود را براى خدمت به انسانها آماده مى نماييد؟ .

مـراكـزى كه در آن آموزش مى بينيد, آموزگار, دبير, استاد و مدير همه بايد براى اينكه تحصيلات وزحمات شما بيشترين بازده را داشته باشد, خالصانه مساعدت و كمك نمايند .

سـعـى نـماييد چنان باشيد كه از فهم و بينش بيشتر و آگاهى زيادتر لذت ببريد, اوقات خود را به بطالت معاشرتهاى بيهوده و بعضى بازيها و مسابقات بيهوده , كه كمالى از آن نه براى روح و نه براى جسم حاصل نمى شود, و ارزش حقيقى انسانها را بالا نمى برد, تلف نكنيد .

در پى كسب كمالات حقيقى و سير الى اللّه باشيد .

آيه كريمه : ((افحسبتم انما خلقناكم عبثا)), ((٧٢)) ((و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو ولعب )) ((٧٣)) و مـضـامـين بلند تعاليم نورانى قرآن را فراموش نكنيد از ملاهى و مناهى پرهيز كنيد و ازسرگرم شـدن به بازيهاى وقت بر باد ده خود را دور نگهداريد بعضى از بازيها موجب افت تحصيلى جوانان و دانش آموزان مى شود گرچه با نام تقويت فكر و ذهن باشد .

اگـر مـى خـواهـيد در تحصيل كمالات حقيقى موفق شويد و اگر مدرسه و محيط خانواده علاقه به توفيق شما دارند, همه بايد در دور بودن از ملاهى و مناهى , با شما همراهى و همكارى نمايند .

و خـلاصـه تـلاش كـنـيد عمر, وقت , حيات و فرصتهايى را كه داريد و همه خواه و ناخواه از دست خواهدرفت , به رايگان با بهاى كم از دست ندهيد براى اين نعمت هاى بزرگ الهى , بها و ارزشى , غير از عـلم ,معرفت , رضاى خدا, ثواب خدا و سيرالى اللّه نيست , كه حضرت اميرالمؤمنين , عليه السلام , مى فرمايد:

((الا حر يدع هذه اللماظة لا هلها انه ليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلاتبيعوها الا بها)) ((٧٤)) .

خـود را مـتـعـهـد بـدانيد و متعهد بسازيد كه از كارهاى زشت و ناشايست و حرام اجتناب كنيد و واجبات وفرايض را انجام دهيد و مخصوصا به نماز, كه معراج مؤمن است , اهميت بدهيد در جمعه و جـمـاعات شركت نماييد و وقار دانش آموزى و دانشجويى را پاس داريد, و خداوند متعال را در همه حالات فراموش نكنيد و درس و تدريس و تعليم و تعلم را براى رضاى او و اتصاف به صفت الهى علم قرار دهيد, از اواستعانت و كمك بخواهيد .

و بـه مـولى الورى , حضرت بقية اللّه , مولانا المهدى , ارواح العالمين له الفدا, متوسل باشيد و بدانيد كـه وجـود مقدس و بزرگوار آن حضرت , كه امروز در اين عالم , آيتى اعظم و اكبر از وجود او براى خدا نيست , ازموفقيتى كه نصيب شما مى شود, بيشتر مسرور و خوشحال مى گردند .

هـمـه شـمـا فـرزنـدان روحانى آن حضرت هستيد و آن حضرت بيش از هر پدرى توفيق فرزند را درعلم , و عمل و كسب كمال , دوستدارو خواهانند .

اينجانب براى همه شما و عظمت بيشتر اسلام دعا مى كنم و توفيق نظام اسلامى خصوصامسؤولان مـحترم آموزش و پرورش و دانشگاهها و مراكز علمى را براى تعليم و تربيت جامع و اسلامى مسالت مى نمايم .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١١ = خودكشى و عواقب آن

محضر حضرت آيت اللّه العظمى آقاى صافى .

با سلام , چون خودكشى در منطقه ما, بخصوص در بين زنان زياد شده است , نظر مبارك را پيرامون اين عمل زشت و عواقب آن بيان فرماييد .

متشكرم .

خودكشى از محرمات كبيره و عامل آن , مرد باشد يا زن , مستحق عقوبت و عذاب شديد الهى است و اگـر شـخـص , مـجـنـون و مختل الحواس نباشد, اين گناه علامت ضعف عقيده به مبدا و معاد ونـداشـتن صفت صبر و مقاومت در برابر شدايد و دشواريهاى زندگى و نوميدى از خداوند متعال است .

بيشتر افرادى كه مرتكب اين معصيت مى شوند, يا اسير يك سلسله اوهام و خيالاتند كه از يك جهت شكستهايى , كه در واقع شكست نيست , مثل شكست در بازيها يا بالاتر زناشويى ها و ازدواج ها,دست به اين عمل مى زنند, يا در اثر فشارها و سختيهاى زندگى خودكشى مى نمايند .

بـطـور كـلـى بـه ايـن اشـخـاص بايد تذكر داد كه دنيا همه اش فراز و نشيب و تغيير و تحول است واشـخـاصـى در زندگى واقعا شكست مى خورند, كه روحيه صبر و مقاومت نداشته باشند و با يك پـيش آمد ويك امر ناملايم و ناگوار, روحيه خود را ببازند و خود را بيچاره بشمارند افراد موفق كه بـر مشكلات فايق مى شوند, به اراده و همت و عزم خود اعتماد دارند و با توكل به خداوند متعال , بر مـشكلات صابرند و با قلب محكم و استوار و اميد به آينده با هر پيش آمد ناگوار, دست و پنجه نرم مى كنند .

تـاريـخ بـشـر پـر است از فرج بعد از شدت و گشايش و رفاه و توانگرى بعد از تنگى و گرفتارى و فقر,مردان و زنان موفق از هيچ حادثه اى تكان نمى خورند و عقب نشينى نمى كنند, به فضل و لطف خـدااعـتـماد دارند و اين آيه را با مضمون بلند آن همواره به خاطر دارند كه ((فان مع العسر يسرا, ان مـع الـعـسـر يـسـرا)), ((٧٥)) آسـانـى ها از ميان دشواريها رخ مى دهند و روشناييها بر تاريكيها غلبه مى يابند .

بـايـد ايـن افـراد را به صبر سفارش كرد كه صبر از ايمان , به منزله سر, در جسد است ((٧٦)) اميد است اين نصيحت در قلوب , مؤثر و نافع باشد واللّه العالم .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٢ = نصيحتى براى تمامى جوانان ايران

محضر مرجع محبوب , آيت اللّه العظمى صافى گلپايگانى .

خواهشمندم نصيحتى براى بنده و تمامى جوانان ايران بيان فرماييد .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

جـنـابعالى و همه جوانان عزيزى را كه قلوب آنها به نور اسلام منور است , وصيت مى كنم به تقوا وآداب و دسـتـورات ديـنـى و اينكه در تمام مراحل زندگى , دين خود را فداى چيزى ننماييد كه خسارت مى بينيد, بلكه همه چيز خود را فداى دين بنماييد .

موفق باشيد .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٣ = نصيحتى مفيد براى دنيا و آخرت

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

محضر مبارك فقيه عالى مقام , حضرت آيت اللّه العظمى آقاى صافى .

با سلام ! .

خواهشمند است اين جانب را با نصيحتى كه مفيد دنيا و آخرت باشد, رهنمون شويد .

با آرزوى سلامتى و طول عمر .

السلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

بـا اعـلام وصـول مـكـتـوب شـريـف , مـتـضـمن در خواست نصيحت , نظر به اينكه حق مؤمن بر مـؤمـن نـصيحت و خيرخواهى براى اوست , تذكرات ذيل را تقديم داشتم اميد است به حكم ((فان الذكرى تنفع المؤمنين )) ((٧٧)) مقبول و نافع شود .

بـهـتـريـن مطلبى كه خودم و شما و همه برادران و خواهران ايمانى را بدان نصيحت مى كنم , تقوا وپرهيزكارى است , ((فانه خير ما اوصى به المسلم المسلم )) ((٧٨)) .

بـه شما رهرو جوان مؤمن نصيحت مى كنم قدر نعمت گرانبهاى جوانى را بدانيد و توان و فرصتى راكـه خداوند متعال , جلت حكمته , به شما عطا كرده است , غنيمت بشماريد و بيشترين استفاده را از اين دور وروزگار طراوت و نشاط زندگى بنماييد .

بر حسب وصيت حضرت رسول اكرم , صلى اللّه عليه و آله و سلم , به جناب ابى ذر, رضوان اللّه عليه , پـنـج چـيزرا بيش از پنج چيز بايد غنيمت شمرد كه اول جوانى پيش از پيرى است , ((شبابك قبل هرمك )) ((٧٩)) .

سـعـى كـنـيـد در ايام جوانى بر خود مسلط باشيد و خشم , شهوت و هواهاى نفسانى را ذليل و رام خودكنيد .

دوره جـوانى , دوره سعى در عمل , ساختن شخصيت و ظهور استعدادات و فرصت بزرگ براى نيل به كمالات و ارتقاى درجات است .

دوره رشد قواى ملكوتى و عقلانى و قوت تمايلات حيوانى است .

دوره جـهـاد, سـيـر, حـركت و صعود يا سقوط است , منتهى اليه اين سير, سعادت يا شقاوت , نعيم ورضوان يا جحيم و خسران است .

بـايـد چـنـان رفـت و چنان بود كه اين سير, سير الى اللّه و به سوى خدا, ثواب خدا و سير راه انبيا, اوليا,صديقين و صلحا باشد, .

((و مـن يـطـع اللّه و الـرسول فاولئك مع الذين انعم اللّه عليهم من النبيين والصديقين و الشهدا و الصالحين و حسن اولئك رفيقا)) ((٨٠)) .

خود را در معرض وزش نسيمهاى توفيق قرار دهيد و با جهاد با نفس , كه جهاد اكبر است , توفيقات وهدايتهاى الهى را كسب نماييد .

فقد قال عز اسمه : ((والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان اللّه لمع المحسنين )) ((٨١)) .

و خود را از خطر آلودگى به موجبات خذلان و وقوف يا بازگشت به عقب , دور نگهداريد .

بـرخى از اسباب خذلان را كه در اين جمله هاى شريفه دعاى ابى حمزه ثمالى بيان شده , بخوانيد و بـه خدا از آنها پناه ببريد, ((سيدى لعلك عن بابك طردتنى و عن خدمتك نحيتنى اولعلك رايتنى مـسـتـخـفـا بـحـقك فاقصيتنى او لعلك رايتنى معرضا عنك فقليتنى او لعلك وجدتنى فى مقام الكاذبين فرفضتنى او لعلك رايتنى غير شاكرلنعمائك فحرمتنى او لعلك فقدتنى من مجالس العلما فخذلتنى او لعلك رايتنى فى الغافلين فمن رحمتك آيستنى او لعلك رايتنى الف مجالس البطالين فبينى و بينهم خليتنى )) ((٨٢)) .

ايـن امـور و كـارهـاى مـشـابـه آنها, همه از اسباب سلب توفيق , بعد از خدا, تاريكى قلب و مفاسد ديگراست كه بايد از آنها دورى جست و خطر آنها را بزرگ شمرد .

اسـتـخـفـاف بـه حق خدا و سبك گرفتن اوامر و نواهى خدا, اعراض از ياد او, ترك شكر نعمتهاى الـهـى ,تـرك مـجـالـست با علما, همنشينى با اهل بطالت , غفلت و لهو و لعب , همه از موانع كسب درجات معنوى وفيوضات حقيقى است .

يكى از علايم توفيق و آگاهى و بيدارى شخص , همين حال نيك و شايسته نصيحت خواهى است .

خـداونـد بـر ايـن بـيـنـش و رشـد و درك معنوى شما بيفزايد, خدا را براى داشتن اين حال شاكر بـاشيد,هيچگاه از حال نفس خود و تهذيب و تكميل اخلاق خود غافل نشويد, بر تلاوت قرآن مجيد مـداومـت نماييد و حداقل , بخشهايى از آن را در معارف و الهيات و معاد و اخلاق حفظ كنيد, با ياد خدا خيالات شيطانى را, كه اميد است بر شما چيره نشود, از خود دور سازيد, .

((ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون )) ((٨٣)) .

حـال كـه تـوفـيـق دانش آموزى داريد, در تحصيل علم , مقامات بسيار بلند علمى را وجهه همت قـراردهـيـد و بـراى شـرف و فضيلت علم و براى اينكه در جامعه مسلمانان , عضوى مفيد و مصدر خدمات بزرگ شويد و مسلمانان را از بيگانگان بى نياز سازيد و به خودكفايى برسانيد, هر چه در توان داريد, تلاش كنيد .

هميشه و همواره چشم به راه ظهور و منتظر فرج حضرت صاحب الامر, بقية اللّه , ارواح العالمين له الفدا,باشيد و موجبات مسرت خاطر انور ايشان را, كه فوز اكبر و افضل است , فراهم سازيد .

در خـاتـمـه از خـداونـد مـتعال براى شما توفيق و تسديد و سعادت دنيا و آخرت مسالت مى نمايم والتماس دعا دارم .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٤ = نصيحتى براى جوانان

محضر مرجع عالى قدر, حضرت آيت اللّه العظمى آقاى صافى .

با عرض سلام ! .

خواهشمندست نصيحتى براى جوانان مرقوم فرماييد .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

جـوانـان عـزيـز بـايـد تـوجـه داشته باشند كه در هر زمان و بخصوص در اين زمان , دعوت هاى باطل فراوان و وسايل گمراهى بسيار است , بنابراين مراقب باشند تحت تاثير اباطيل قرار نگيرند .

--------------------------------------------

پاورقى ها

٥٠- غـافـر , آيه ٦٠ , و پروردگارت گويد مرا به دعا بخوانيد تا برايتان اجابت كنم , بيگمان كسانى كه ازعبادت من استكبار مى ورزند , زودا كه به خوارى و زارى وارد دوزخ شوند .

٥١- الـخـرائج و الـجـرائح , ج ١ , ص ٢٦٦ , اى آن كـه مـلـكـوتش همه جا را فرا گرفته و جلال و بزرگيش برهر چيز , چيره است بر محمد و خاندانش درود فرست و قلبم را از شادى توجه بسويت لبريز كن ومرا به گستره فرمانبردارانت ملحق نما .

٥٢- الـخـرائج و الـجرائح , ج ١ , صص ٢٦٥ و ٢٦٦ , اى آنكه گمراهان بدو توجه كنند و او را راهبر بينند وبيمناكان , آهنگش نمايند و او را پناهگاهى استوار يابند و نيايشگران بسويش پناه گيرند و او راتـكـيـه گاه خويش يابند چه زمان , آن كه غير از ترا طلب كرد , شادمان گشت و چه وقت است راحـتـى آنـكه , بدنش را رنجور غير كرد خداى من ! روشنايى [سحرگاهان ] , تاريكى [شب ] را برده اسـت وهـنـوز بـه آرزويم نرسيده ام و از چشمه سار مناجاتت سيراب نگشته ام بر محمد و خاندانش درودفـرسـت و از مـيـان برآورده ساختن حاجتم و يا بى نصيب گذاشتنم , آنچه نزدت برترست را انجام ده ,اى مهربانترين مهربانان ! .

٥٣- صـحـيـفـه سـجاديه , ج ٢ , ص ٢٣٤ ,بارخدايا! از تو ايمانى آميخته در جان و دلم مى طلبم و يـقـيـنـى راسـتين تا بدانم كه هيچ چيز جز آنچه تو برايم نوشته اى به من نمى رسد و مرا به آنچه از زندگى ,مقدرم نموده اى , خشنود ساز .

٥٤- آل عمران , آيه ١٧٣ , خدا ما را بس و چه نيكو كارسازى است .

٥٥- غافر , آيه ٤٤ , كارم را به خداوند واگذار مى كنم .

٥٦- بقره , آيه ١٥٦ , ما از خداييم و به خدا باز مى گرديم .

٥٧- مجلسى , محمد باقر , بحارالانوار , ج ٧١ , ص ١٦٠ .

٥٨- كـنز العمال , حديث ٣٩١٨ ,اى زنده پاينده ! با رحمتت , دادرسيم كن و يك چشم به هم زدن مرا به خود وامگذار و تمام كارم را اصلاح كن .

٥٩- غـافر , آيه ٦٠ , و پروردگارت گويد مرا به دعا بخوانيد تا برايتان اجابت كنم , بيگمان كسانى كه ازعبادت من استكبار مى ورزند , زودا كه به خوارى و زارى وارد دوزخ شوند .

٦٠- عاملى , حر , وسايل الشيعه , ج ٤ , ص ١٠٨٦ .

٦١- مجلسى , محمد باقر , بحارالانوار , ج ٣٩ , ص ١٢٢ .

٦٢- مجلسى , محمد باقر , بحارالانوار , ج ٧٥ , ص ١٥٣ .

٦٣- روم , آيـه ١٠ , سـپس سرانجام كسانى كه بد عملى كرده بودند , بدتر شد چرا كه آيات الهى را انكار وبه آنها استهزا مى كردند .

٦٤- در قرآن كريم , ٨٨ مرتبه , لفظ (( يا ايها الذين آمنوا )) تكرار شده است .

٦٥- نـهـج الـبـلاغـه , حـكمت ٤٥٦ , براستى كه جز بهشت , هيچ ارزشى براى جانهايتان نيست , پس جانهايتان را به غير از بهشت , نفروشيد .

٦٦- عـنـكـبـوت , آيـه ٦٩ , و كسانى را كه در حق ما كوشيده اند به راههاى خاص خويش رهنمون مى شويم ,و بيگمان خداوند با نيكوكاران است .

٦٧- صافى گلپايگانى , محمدجواد , گنجينه گهر ,بهترين امت من كسى است كه جوانيش را در طـاعـت خـداوند صرف كند و نفس خويش را از لذات دنيا باز دارد و آن را در راه آخرت به زحمت اندازد براستى كه پاداش چنين فردى در نزد خدا , بالاترين درجات بهشت است .

٦٨- عـنـكـبـوت , آيـه ٦٩ , و كسانى را كه در حق ما كوشيده اند به راههاى خاص خويش رهنمون مى شويم ,و بيگمان خداوند با نيكوكاران است .

٦٩- كـلـيـنـى , محمد , كافى , ج ١ , ص ٣٠ , ح ١ , بهوش باشيد كه خداوند طالبان علم را دوست مى دارد .

٧٠- بحارالانوار , ج ٦١ , ص ١٢٩ .

٧١- نهج البلاغه , حكمت ٢٠٥ , هر ظرفى به آنچه كه در آن نهند تنگ گردد , مگر ظرف دانش كه هرچه در آن نهند , گنجايش بيشتر يابد .

٧٢- مؤمنون , آيه ١١٥ , آيا چنين پنداشتيد كه ما شما را بيهوده آفريديم .

٧٣- عنكبوت , آيه ٦٤ , اين دنيا , چيزى نيست , مگر لهو و لعب .

٧٤- نـهـج الـبـلاغـه , حـكمت ٤٥٦ , آيا آزاده اى نيست كه اين دنيا را كه در كم ارزشى , همچون تـه مـانـده طعامى است كه در دهان باقى مى ماند , به اهلش واگذارد براستى كه جز بهشت , هيچ ارزشى براى جانهايتان نيست , پس جانهايتان را به غير از بهشت , نفروشيد .

٧٥- انـشـراح , آيـات ٦ و ٥ , بيگمان در جنب دشوارى , آسانى است آرى , در جنب دشوارى آسانى است .

٧٦- نهج البلاغه , حمكت ٨٢ , فان الصبر من الا يمان كالراس من الجسد .

٧٧- ذاريات , آيه ٥٥ , كه اندرز مؤمنان را سود دهد .

٧٨- مـجـلـسـى , مـحـمـدبـاقـر , بـحـارالانـوار , ج ٨٢ , ص ٢٣٣ , پـس بـراستى اين [توصيه به پرهيزكارى ]بهترين اندرزى است كه مسلمانى به مسلمان ديگر نمايد .

٧٩- من لايحضره الفقيه , ج ٤ , ص ٣٥٧ .

٨٠- نـسـا , آيه ٦٩ , و كسانى كه از خداوند و پيامبر اطاعت كنند , در زمره كسانى اند كه خداوند بر آنـان انـعـام فـرمـوده است , اعم از پيامبران و صديقان و شهيدان و صالحان , و اينان نيك رفيقانى هستند .

٨١- عـنـكـبـوت , آيـه ٦٩ , و كسانى را كه در حق ما كوشيده اند به راههاى خاص خويش رهنمون مى شويم ,و بيگمان خداوند با نيكوكاران است .

٨٢- صحيفه سجاديه , ج ٢ , ص ٢٢٢ , ترجمه اين فقرات , از دعاى ابوحمزه را در ص ٣٤ ببينيد .

٨٣- اعـراف , آيـه ٢٠١ , پـرهيزگاران هر گاه خيالى شيطانى عارضشان شود , ياد [خدا] كنند , و آنگاه ديده ور شوند .

## نمايه واژه ها

مـطـبـوعـات و جرايد, همه و همه وظايف شان سنگين است اين گونه كه بسيارى تلقى مى كنند, نـيست بايد جوانان را با مساجد يا مجالس وعظ و هشدارهاى اخلاقى , با مطالعه كتابهاى آموزنده و صـحـيـح ديـنـى , بـا تـواريخ سودمند, با تفسير قرآن مجيد, با مجالس دعا در خط صلاح و فلاح و رستگارى نگاه داشت و خود آنها هم كه بيشتر آگاه و متوجه هستند, بايد در خط اصلاح خود و هم سن و سالان خودتشريك مساعى و بذل فداكارى و كوشش كنند .

بـايـد اخـلاق اسـلامـى , زهد, آزادگى , پارسايى , قناعت , شجاعت و خودشناسى را به آنها آموخت كه بدانند خود را به هر جريان و هر وضع نفروشند .

و اين كلام معجز نظام اميرالمؤمنين , عليه السلام , را هميشه مقابل چشم دل خود قرار دهند:

((الا حـر يـدع هـذه اللماظة لا هلها انه ليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلاتبيعوها الا بها)), ((٨٤)) , تا بـدانند كه انسان بالاتر از اين است كه اسير شهوات , ماديات , افكار و اعمال شيطانى شود و مثل اين اشعار را كه :

((تن آدمى شريف است به جان آدميت ـــــ نه همين لباس زيباست نشان آدميت .

طيران مرغ ديدى تو ز پاى بند شهوت ـــــ بدر آى تا ببينى طيران آدميت )) .

زمزمه نمايند .

بـحـمـداللّه در مـعـارف شـيـعـه و فرهنگ غنى ما, بيش از آنچه تصور شود, به جوانان و پسران و دخـتـران ,ارايـه طـريـق شـده اسـت , آيـات قـرآن كـريـم , آن هـمه احاديث شريفه و اين دعاهاى انسان سازعالية المضامين و اين كتاب ها و اشعار و مقالات .

بـايـد جـوانـهـا را بـه ايـن فـرهنگ غنى متوجه كرد تا بخوانند و هم عظمت دين خود را بدانند و فـرهـنگ دينى اسلام را بشناسند و هم خود را بسازند, جوانها و همه را بايد به حسابرسى و محاسبه اعمال راهنمايى كرد تا هميشه در مقام تحصيل ترقى و كمال , بيشتر باشند .

بـالاخـره آقاى محترم جوان عزيز نوزده ساله كه الحمدللّه از اين همه آگاهى و دانايى برخورداريد وشمه اى از آن را در اين نامه به قلم آورده ايد! .

مـن بـه شـمـا تـبـريك عرض مى كنم و از خداوند متعال مى خواهم كه مثل شما را, كه در جوانان ونوجوانان مسلمان , زياد است , زيادتر و بيشتر بفرمايد .

شـمـا جـوانـان , آيـنده اسلام هستيد, عظمت اسلام , شوكت اسلام مرهون تلاش و رشد و آگاهى شـمـااسـت هـمه از شما انتظار دارند, اسلام از شما انتظار دارد و قرآن كريم به انتظار شما است و حـضـرت بـقية اللّه , مولانا المهدى , ارواح العالمين له الفدا, از شما انتظار دارد, بيشترين ياوران آن حضرت , از شماجوانان مسلمان و متعهدخواهند بود .

عـزيـزان مـن ! اگـر مـا در اداى وظـايـف خـود نسبت به شما قصور يا تقصير داريم , شما به نفس خوداعتماد كنيد و با توكل به خدا در دين , ايمان , تقوا, سعى و عمل , ثبات قدم نشان بدهيد, قدم به جـلـو بـرداريـدو بـه جلو برويد و فقط عزت اسلام , سياست مسلمين , رضاى خداوند و خوشنودى حـضـرت ولى عصر,ارواحنا فداه , و تامين رفاه و آسايش خلق و خدمت به مردم را وجهه همت قرار دهيد! .

خدا يار و ياور شما! .

((قل اعملوا فسيرى اللّه عملكم و رسوله والمؤمنون )) ((٨٥)) .

سئوال ١٥ = سئوالى درباره ارتباط با نامحرم و اظهار علاقه به مجسمه و صليب

محضر مقدس مرجع عظيم الشان شيعه , .

حضرت آيت اللّه العظمى آقاى صافى گلپايگانى (دام عزه ) .

با عرض ادب و سلام ! .

فـردى از افـراد خـانـواده مـان , آن چنان غرب زده شده كه به مجسمه سگ و صليب , اظهار علاقه مى كند و هرچه پدر و مادرم او را نصيحت مى كنند, اثر ندارد .

١ ـ به نظر حضرت عالى , آيا اين كار با روح اسلام , سازگارى دارد؟ .

٢ ـ اگر با مرد نامحرم , دوست باشم و به او علاقه داشته باشم , آيا از نظر اسلام صحيح است ؟ .

٣ ـ آيا با كسى كه قصد ازدواج دارم , مى توانم ملاقات كنم ؟ .

با آرزوى طول عمر براى آن عزيز .

تهران .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

مكتوب حاكى از علاقه شما, به وظايف دينى واصل شد .

امـيـد اسـت خـداونـد مـتـعال به شما و عموم بانوان و دوشيزگان مسلمان , كه در اين عصر, كه بـخـصـوص در مـعـرض آزمايش و امتحانات واقع شده اند, توفيق دهد كه از عهده امتحان به طور شـايـسـتـه بيرون آمده وشخصيت اسلامى خودتان را محفوظ و تحت تاثير تلقينات و تبليغات سؤ مـنـحرف كننده , از خدا و راه مستقيم اسلام دور نشويد و درك كنيد كه وظيفه زن , در زمان ما و مـسؤوليتش , بسيار مهم است و در بقاى جامعه اسلامى , وضع و اخلاق بانوان و پيروى آنها از تعاليم قرآن و سنت پيغمبر و ائمه , عليهم السلام ,حساس و خطير و مؤثر است .

امـا مـساله اول , بسيار باعث تاسف است كه غرب زدگى در جامعه مسلمان به اين حد رسيده باشد كـه دخـتـرى كـه در يـك خانواده و محيط مسلمان و موحد پرورش يافته , و صداى توحيد اذان و اللّه اكـبـر وشـهـادتـين را همواره شنيده است , تا اين گونه خود را باخته , و پيرو بيگانه باشد كه به مجسمه سگ ياصليب , كه مفاد مسيحيت و حرام است , اظهار علاقه نمايد, و به پند و راهنمايى پدر و مادر مهربان توجه نكند .

ايـن عـلاقـه هـا نـشـانـه احـسـاس شخص به ضعف خود در برابر ديگران است كه تصور مى كند با اين گرايش ها نقطه ضعف برطرف مى شود, در حالى كه اين خود عين اظهار و آشكار كردن نقطه ضعف ,انحراف فكر و بالغ نبودن روح است , كه به جاى علاقه به كمالات و ارزش هاى انسانى , به اين گـونـه امـور,كـه از عـادات پـوچ و زشت بيگانگان است , توجه كند و با توجه به اين كه تلقينات و تـبـلـيـغـات گـمراه كننده سمعى و بصرى و بعضى مطبوعات كه در اختيار دوشيزگان و بانوان گذارده مى شود, اين علايق را ايجاد وتقويت مى نمايد, و اين روش هاى بى ارزش و زيان بخش را به آنها تعليم مى دهد, گمان مى كنم در اين موضوع بيشتر از اين توضيح لازم نباشد و شما و هر بانوى با فكر ديگر, اگر مطالعه بنمايد, آگاه و ملتفت مى شود كه اين هم , آثار و نقشه هاى شوم ضد اسلام و دور كردن مسلمان , از حريم هدايتهاى اسلام است .

و امـا راجـع بـه سـؤال دوم نـيـز آنـچـه بـه شـمـا نصيحت و خيرخواهى مى كنم , اين است كه در مـوضـوع رابـطـه با مرد اجنبى بسيار مراقب باشيد كه رابطه اى خارج از حد و مرزى كه شرع مقرر كـرده اسـت پـيـدانـكنيد با مرد اجنبى آمد و شد و معاشرت ننماييد كه خطرناك است و پشيمانى مـى آورد لابد مى شنويد كه چه بسيار دوشيزگانى كه از حريم مقدس عفت و پاكدامنى , در اثر اين مـعـاشـرتـها و ارتباطها دور افتاده و درعواقب سؤ اين رفتارهايى كه فعلا به دوشيزگان پيشنهاد مـى شـود, و آن را نـشـانـه تجدد و ترقى مى دانندگرفتار شده , و آلوده گرديده اند و آن مطلب و مقاصدى هم كه در نظر داشته اند, به باد فنا رفت (يا فريب خوردند يا فرد پشيمان شد و يا جريانهاى ديگر) .

ايـن عـلاقـه هـايـى كـه شـما از آن نوشته ايد, علاقه اصيل و حساب شده نيست , علاقه اى است كه بين دختر و پسرى , در ايام جوانى ممكن است پيدا شود و لذا در اين موارد همان راهنماييهاى پدر و مـادر وافـراد دلـسوز و پخته خانواده و مشورت با آنها, كه فكرشان از آن احساساتى كه يك دختر يا پسر جوان كه به هم برخورده اند, آزاد است , بسيار ارزنده است .

بـه نظر مى رسد كه اگر خير و سعادت خود را مى خواهيد, حتما موضوع ازدواج را با پدر و مادر در ميان بگذاريد اگر آنها مخالفت كردند, ناراحت نشويد و بدانيد كه آنها خير فرزندشان را مى خواهند و در اين مورد تجربه شده است كه نظر آنها, واقع بين تر است , و در اكثر موارد, راى و نظرشان صائب و صحيح است .

بـه شـمـا وامـثـال شـمـا نصيحت مى كنم كه در اين مواقع جوانى , خود را كنترل كنيد و بر خود, مسلطباشيد و اطمينان داشته باشيد كه آينده شما قرين سعادت و خوشبختى خواهد بود .

امـا مـسـالـه جـايـز بودن ديدار و نظر به كسى كه شخص قصد ازدواج با او را دارد, بايد از حدود,و مقدارمتعارف و به مقدار اطلاع بيشتر نباشد, و نمى شود كه با مرد اجنبى اختلاط و معاشرت به اين اسم برقراركرد اما ازدواج با شخصى كه شغلش حرام و درآمدش حرام است , اگرچه به خودى خود مـمـنوع نيست , آن هم از ازدواجهايى است كه براى زن مسلمان آينده لذت بخشى نخواهد داشت , زيرا مسلمان بايد ازخوراك و پوشاك و اموال حرام پرهيز كند, و براى او زندگى با اين شوهر دشوار مى شود, مگر آن كه شوهر,قبل از ازدواج , شغل حرام را ترك كرده و شغل حلال و مشروعى انتخاب كند .

خـداونـد متعال شما و همه بانوان و دوشيزگان مسلمان را در طريق اسلام و عفت و حجاب ثابت دارد .

والسلام عليكم و رحمة اللّه .

قم / لطف اللّه صافى .

\*ازدواج .

## سئوال ١٦ = حقوق زوجين

به نام آنكه جان بخشيد در دلها و پاك ساخت قلبها را .

بـا تـقديم احترام ! خدمت شريف و گرامى جناب عالى سلام و درود فراوان مى فرستم و سلامتى و طول جنابعالى را از ايزد منان خواستارم .

جناب آقاى آيت اللّه العظمى صافى , مرجع تقليد محترم من ! .

تـا كـنون مدت دو سالى است كه قصد مكاتبه با شما را دارم , اما به دلايلى اين افتخار نصيبم نشده بـود,بـالاخـره امـروز مصمم شدم تا مكاتبه ام را با مرجع تقليدم آغاز كنم و خودم را از زندان سؤال نجات دهم اميدوارم زياد وقت گراميتان را نگيرم و شما لطف كنيد و جوابهاى مرا بدهيد .

اول از هـمـه , رسـالـه اى از خودتان مى خواستم كه احكام اوليه و ثانويه را مفصل شرح داده باشد و سؤال وجواب نباشد اگر مقدور بود برايتان , لطفا برايم بفرستيد .

سـؤالات مـن بـسـيـار اسـت و اكثر آنها شخصى است من دانشجوى رشته كاردانى حسابدارى در تهران هستم .

بـه رشـتـه طراحى علاقه وافر دارم جديدا به عقد آقاى درآمده ام ايشان با ما زندگى مى كنند, به دلـيل اينكه خانواده شان اهل بيرجند هستند در حقيقت شايد زندگى مشترك ما شروع شده باشد سـؤال مـن ايـنـسـت , آياايشان حق دارد بر تمام امور من , نظارت و كنترل داشته باشد, يا فقط در مواردى خاص ؟ .

مـوقـعـيتى در دانشكده پيش آمده كه من مى توانم طراحى را ادامه دهم ايشان اين كلاس را براى مـن مـمـنوع كرده اند آيا من مى توانم باز هم بدنبال اين رشته بروم يا نه ؟ دليل ايشان اينست كه به درسـم لـطـمـه مـى خـورد, هـر چه صحبت كرده ام راضى نشده اند از اين موارد زياد پيش مى آيد مـى خـواسـتـم بدانم با وجوداينكه هنوز در خانه پدرم هستم , مسؤوليت من به گردن پدرم است يا[شوهرم ] آقاى , با توجه به جلب رضايت هر دو, حرف كدام در حال حاضر مهمتر است ؟ .

آيا او حقى در اين زمان بر من دارد و مى تواند مرا از تحصيل محروم كند؟ .

در ضـمـن آيا گذشته من ربطى به او دارد؟ من از زمان تولد تا رسيدن به او را برايش با جزييات و احـسـاساتم بيان نموده ام شايد اشتباه كرده ام , چون او حساس شده است البته شايد من نتوانسته ام آنطور كه بايد خودم را تشريح كنم و خودم رابه او بشناسانم , چون حقيقتا خودم را هنوز نشناخته ام و درگير خودم هستم .

ما هر دو مى خواهيم بر اساس قوانين شرعى و اسلامى پيش برويم و زندگيمان را حلال گردانيم بـر ايـن اسـاس مـن چـه بايد بكنم تا زنى نمونه باشم البته جواب را مى دانم كه بايد مطالعه كنم و الگويم را حضرت زهرا, سلام اللّه عليها, قرار دهم , اما باز هم به كمك شما احتياج دارم .

بـه مـن بگوييد تا چه حد ايشان مى توانند در گذشته من حقى داشته باشند؟ و آيا من همه چيز را بايد با او درميان بگذارم و نمى توانم مواردى را از او پنهان كنم تا موقعيت مناسب پيش آيد؟ .

مـثـلا مـى توانم پنهانى , طراحى را ادامه دهم يا نه ؟ و لازمست همه اتفاقاتى كه برايم در طول روز مـى افـتد,براى او بازگو كنم , حتى اگر به ضرر زندگيمان باشد و خدشه اى بر صميميت ما وارد كند .

در ضمن ايشان جوانى پاك و سالم از هر نظر هستند و من ايشان را هديه اى از جانب خدا مى دانم .

و مـى خـواستم بدانم آيا شما شعر هم مى گوييد؟ اگر بله و امكان دارد و افتخار مى دهيد قسمتى ازنوشته هايتان را برايم بفرستيد ببخشيد كه اين قدر طول كشيد منتظر جواب شما هستم من براى شنيدن جواب عجله دارم .

با تشكر و احترام فراوان خدمت جنابعالى ! .

تهران / مقلد شما .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

مرقوم مفصل شما رسيد, جوابا اشعار مى دارد:

يـكـى از آيـات بزرگ الهى و شگفتيها و ظرافتهايى كه در عالم آفرينش , بخصوص انسان , تماشايى وعـبـرت انـگـيـز و بينش آفرين است , زوجيت و همسر و همدم و انيس و مونس بودن زن و مرد با يكديگراست , كه واقعا الان كه اين نوشته را مى نويسم , واژه اى كه تعبير از اين زوجيت و با هم شدن و باهم بودن و يكى شدن اين دو جنس , بنمايد, ندارم .

قـرآن مـجـيـد مى فرمايد: ((هن لباس لكم و انتم لباس لهن )), ((٨٦)) بانوان براى شوهران لباس و شوهران براى ايشان لباس مى باشند, و در آيه ديگر پيرامون اين رابطه مى فرمايد:

((و مـن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمة )), ((٨٧)) از خـود شما برايتان قرارداد, يعنى همدم , مونس , غمخوار متحد مشترك المنافع و موافق , همدل , نه مـعـارض و نـه جـدا از هـم و نـه مـستقل از هم , بلكه متحد, اتحادى كه بين هيچ دو نفرى برقرار نمى شود, حقيقت زوجيت اين معانى مقدس و آرام بخش است اين است كه از دو جنس مخالف يك واحـد بـه تـمـام مـعـنـا مـوافـق , سـاخته مى شود و اسلام به اين جهت ازدواج و تقويت و تكميل , بـسـياراهميت داده است و در اكثريت زنان و شوهران مسلمان , اين روحيه و اين تجلى و يگانگى و اتـحـاد را, اگـرچـه بـالـطبع فراهم است , فراهم تر مى سازد, و اهتمام بر اين است كه بنياد قويم و مستحكم , از آسيب وتعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند .

حـقير در همين زندگى خود, زنان و مردانى را ديده ام كه در اين جهت باهم شدن و از هم بودن , نـمونه بودند و چنان بودند كه گويى هر يك از راز دل ديگرى خبر داشت و همان را انجام مى داد و هـمان رامى گفت كه ديگرى مى گفت , شخصيتشان درهم ذوب شده بود, اگر او در بيرون خانه بـود و ديـگرى دردرون خانه , هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادى و گشايش شريك يكديگر بودند .

نه اين خود را از او طلبكار مى دانست و نه او به اين ادعايى داشت .

ايـن مـردسالارى تحميلى , كه در زمان ما مبارزه با آن را مطرح مى نمايند, و از آن براى جداكردن زن از شوهر, و آنها را دو واحد, در مقابل هم قرار دادن استفاده مى كنند, اصلا وجود نداشت , اخلاق اسلامى در محيط خانه و بر روابط با هم حاكم بوده است .

غرض از اين بيانات اينست كه شما بر حسب آنچه نوشته ايد, همسر از هر جهت پاك و سالم داريد,كه او را هديه اى از طرف خدا مى شماريد, مساله غيرقابل حل , بين خودتان نخواهيد داشت , اين صفا و وفـاو خـوش بينى كه به هم داريد, همه امور را بر وفق دلخواه قرار مى دهد, شما خاطرخواه او و او هم خاطرخواه شما, خواهد بود .

الـبـتـه در نـظامات شرعى , براى اينكه اگر در بين زنها و شوهرها, افرادى پيدا شدند كه بواسطه بعضى جهات و عذرهاى صحيح يا بهانه هاى غلط به اين اتحاد و يگانگى نرسيدند, قانون بر آنها حاكم شـود وآنـهـا را مـنـظم سازد, براى هر يك از زن و شوهر نسبت به هم حقوقى مقرر شده است كه بـرحـسـب آن , نـظـام خـانواده و زوجيت باز هم محفوظ بماند و در سايه اين حقوق و قانون با هم هـمـزيـستى داشته باشند,برحسب اين حقوق هيچ زن و مردى موظف نيستند كه از گذشته هاى خـوب و بـد و سـوابق زندگى خوديكديگر را مطلع سازند, بايد هرچه مى گويند و عمل مى كنند, همه موجب قوت اتحاد و خوش بينى آنها به يكديگر باشد .

مـسـاله اينكه تا در خانه پدر هستيد بايد چگونه باشيد, اين جزييات را با توافق با هم و ملاحظه خير وصلاح يكديگر, در حالى كه يك واحد هستيد, حل نماييد نه او جمود بر حقى كه دارد داشته باشد و نه شما در موضوعى كه در بين است , اصرار كنيد .

مـرد بـايـد دسـتـور ((المؤمن ياكل بشهوة اهله و المنافق ياكل بشهوته )) ((٨٨)) را دررابطه با زن رعـايـت كـند, زن هم بايد خود را موظف بداند كه يا اخلاقا و يا حقا و شرعا, رضايت شوهر رافراهم نمايد .

امـيـد اسـت بـا ايـن توضيحات اين روابط گرمى كه بين شما و همسرتان , بحمداللّه , برقرار است , بيش از پيش گرمتر شود, و زندگى سعادتمندانه و خوبتر و خوبتر را در پيش روى داشته باشيد .

((الف اللّه بينكما و طيب اللّه نسلكما)) .

با التماس دعا .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٧ = معيارهاى انتخاب همسر

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

خدمت با سعادت مرجع شيعه آيت اللّه العظمى صافى گلپايگانى .

با سلام ! .

مـشـكل من انتخاب همسر آينده ام مى باشد, چندى است كه در مورد انتخاب همسرم مشغول فكر كـردن وانتخاب معيارهاى درست , كه مورد قبول خداوند متعال باشد, هستم , معيارهايى كه مورد قـبـول عـقـل و شـرع باشد و مرا در زندگى مشترك , با زنى به خوشبختى كامل و آنچه مورد نظر اسلام است , برساند .

مـعـيارهاى من , عبارتند از: هم فكرى و هم عقيده بودن , مشترك بودن مكتب و ديدگاه و جهان بينى , ازنظر روحى و فكرى بهم نزديك بودن و در يك كلام هم شان بودن , از نظر فكرى .

بـه ثروت , زيبايى , تحصيلات و غيره اهميت نمى دهم , هرچند اين مسايل را انكار نمى كنم بهرحال انسان دوست دارد همسرى زيبا, داراى تحصيلات عاليه داشته باشد, ولى به نظر من , وقتى انسان با دخترى كه با او هم فكر و هم عقيده است , ازدواج كند, خودبخود همه اين مسايل حل مى شود .

زيرا به نظر خود, طرز تفكر من , شعاع بسيار وسيعى در مورد معيارهاى ازدواج دارد, هم فكر بودن , فكر من اينست كه به تحصيلات و كسب دانش تا آخر عمر ادامه دهم , دائما در مورد مسايل مختلف فـكـر كـنم , ازگناه و معصيت الهى پرهيز كنم , در زندگى فردى باشم كه گوش به فرمان عقل بـاشـد و عقلش براحساساتش غلبه داشته باشد, و در يك كلام انسانى باشم كه خداوند خواستار آن انـسـان و مـورد تـوجـه خداوند باشد ميل دارم همسرم , خانوده اش و فاميلش داراى اين طرز تفكر باشند, مهمتر, خود آن زن , اين طرز تفكر را داشته باشد, طرز تفكرى اسلامى و مورد قبول خداوند .

ولـى مـشكل من در اينجا خود را نشان مى دهد, چگونه بفهمم دخترى داراى اين شرايط است , من دردانشگاه تحصيل مى كنم , در اين دانشگاه دختر و پسر مشغول تحصيل هستند از طرفى از ارتباط كـلامـى بـا دخـترها پرهيز دارم و از طرفى مايلم بدانم كدام دختر در اين دانشگاه يا در شهر محل سكونتم , داراى اين طرز تفكر است .

بـاور كـنـيـد وقتى در تخيل و رؤيا, به اين مساله فكر مى كنم كه مشكلم حل شده است , آن دختر مـوردعـلاقـه ام را پـيـدا كـرده ام و بـا او ازدواج كرده ام , آنچنان آرامش و اطمينان تمام وجودم را [فرا]مى گيرد, كه وصف ناشدنى است .

اكـنون كه مشغول نوشتن اين نامه براى حضرتعالى هستم ,مانند مرغى سرگردان و حيران هستم , نمى دانم با چه دخترى وصلت كنم .

مـعـيـار مـن , خـانه , داراى زيبايى و نيست , معيار من هم فكر و هم عقيده بودن است , زيرا با چنين دخترى ,زندگى را شروع كردن , آغاز خوشبختى است .

مـى خواهم از نظر جناب عالى مطلع شوم و راه درست , كه مورد قبول حضرت حق باشد را, شما به من نشان دهيد چگونه همسر آينده ام را بشناسم ؟ و آيا اين معيارها درست است و اشتباهى در مورد انتخاب معيارهايم ندارم ؟ مرا راهنمايى كنيد تا از اين سرگردانى نجات پيدا كنم و هر روز تمايل به كـسـى پـيـدا نكنم و پيش خود خيال نكنم اين همان است كه بدنبالش مى بودم و بعد ببينم سراب اسـت البته تمايل من فقطنگاه است و نه حتى چشم چرانى , بلكه نگاهى كوتاه و سريع , حتى از نگاه به نامحرم , اگر چه كوتاه , ابا دارم ,ولى بعضى مواقع چشم من به كسى مى افتد و هر چه ديده بيند, دل كند ياد .

با تشكر .

بسم اللّه الرحمن الرحيم .

انشااللّه تعالى موفق و مشمول عنايات حضرت بقية اللّه , ارواح العالمين له الفدا, باشيد .

مـرقـوم مـفـصـل شـمـا رسيد در مورد ازدواج كه نظر حقير را خواسته ايد, همانطور كه مى دانيد ازدواج يكى از سنن مهم اسلام و مورد ترغيب و تشويق بسيار است و از حضرت رسول , صلى اللّه عليه و آلـه , روايت است كه فرمود: ((النكاح من سنتى )) ((٨٩)) و در احاديث ديگر است : ((من تزوج فقد احرزنصف دينه )) ((٩٠)) .

اميد است حال كه در صدد انجام اين سنت هستيد چنانكه در نظر داريد, موردى كه از جهت ايمان وتـوافق اخلاقى مناسب باشد, فراهم شود ولى در انتخاب همسر بيشتر از معارف , فحص و جستجو تاحدى كه به مرحله وسواس و مانع از اخذ تصميم شود, صحيح نيست همين قدر كه از جهات مورد نـظـر,بـخـصـوص ديانت , عفت و اخلاق شناخته شود و پدر و مادر شما و افرادى كه به آنها اعتماد داريد, نيز موردرا مناسب بدانند, بقيه امر و آينده همه با خداوند متعال است .

بـا تـوكـل بـه خدا و طلب خير از خدا و به نيت انجام سنت دينى اقدام نماييد و آينده امورى را كه انـسـان در جـريـان آن مـؤثر نيست , همه را به خدا واگذار نماييد كه : ((و من يتوكل على اللّه فهو حسبه )) ((٩١)) .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

## سئوال ١٨ = بد اخلاقى همسر

حضور حضرت آيت اللّه العظمى صافى .

ضمن عرض سلام ! .

جـوانـى هـسـتـم ٢٥ سـاله , مدت سه ماه است ازدواج كرده ام در طول اين سه ماه متوجه شده ام هـمـسـرم بـا مـن ناسازگارى و لجاجت بى مورد دارد, مدام بهانه هاى بى خود مى گيرد و منتظر فـرصـت و بهانه اى است تا ازمن جدا شود اين طور كه من اين مدت فهميدم و خودش هم اعتراف كـرده , قبل از ازدواج موارد اخلاقى داشته ـ رابطه با پسر ـ و دختر سربه زيرى نبوده است , بطورى كه مداركى هم در اين مورد از او پيدا كرده ام ـ نامه هاى عاشقانه , شماره تلفن و غيره ـ , من هميشه او را نـصـيـحـت مـى كـردم تـا شـايد اصلاح شود حتى يك بار او را تهديد كردم كه چيزهايى را كه فـهـميده ام به پدر و مادرش مى گويم و از او تعهد كتبى با امضا واثر انگشت گرفتم , اما مؤثر واقع نشد .

الـبـته شايد, به ظاهر, كمى مشكل اخلاقى اش اصلاح شد, اما در مورد ناسازگارى و لجاجت , الان مـدت دوهـفـتـه اسـت كـه بخاطر همين مسايل , او را به خانه پدرش برده ام , چون گفته كه من نـمـى توانم با تو زندگى كنم و طلاق مى خواهد ما هم براى طلاق استخاره كرديم , استخاره خوب آمـد, امـا مـمـكن است باپادرميانى ريش سفيدهاى فاميل و بزرگترها, دوباره مجبورش كنند كه بـرگردد ـ البته با توجه به اين كه هيچ كس از موضوع مسايل قبل از ازدواجش خبر ندارد و با علم بـه ايـنكه مى گويد: ((پدرم مرا به ازدواج با تومجبور كرد)) ـ من براى آخر و عاقبتم و طلاق با او, اسـتخاره كرده ام و خوب آمد حالا به نظر شما چه كنم ؟ به حرف بزرگترها و ريش سفيدها, گوش كـنـم يا به استخاره عمل كنم ؟ اگر لازم مى دانيد شما هم استخاره اى در اين مورد بنماييد, چون مـن اصلا به او اعتماد ندارم و از آينده ام و زندگى با او و احتمالا خيانت او مى ترسم و مانده ام چكار كنم ؟! .

الـبته لازم به ذكر است كه به اعتراف خود ايشان , بنده از لحاظ مالى و اخلاقى هيچ مشكلى ندارم , نمى دانم مسايل اخلاقيش را به پدر و مادرش بگويم يا نه , اگر نگويم و او را طلاق دهم , چون كسى در جـريان نيست ,حتما به فساد (بيشتر) كشيده مى شود, و اگر بگويم , نمى دانم [كه آيا] مداركم ـ حتى تعهدى كه از او همراه با امضا و اثر انگشت گرفته ام ـ , براى اثباتش كافى است يا نه .

بـا تـشكر و عذرخواهى از اينكه وقتتان را گرفتم و مطلب به درازا كشيده شد, اما لازم ديدم تمام مـسـايل را, به طور گسترده و باز خدمتتان ارايه نمايم , تا بتوانيد راهنمايى فرموده و نظرتان را به طور كامل و قطعى بيان نماييد .

ت بسم اللّه الرحمن الرحيم .

حـقـير از اظهار نظر در امر داخلى و شخصى شما, بعلت عدم اطلاع معذورم , بطور كلى , اولا اگر بـرسرى و امرى كه براى فرد عيب و عار باشد, مطلع شده ايد, افشا نكردن آن فضيلت و ثواب بسيار دارد وبـلـكـه افشا كردن نيز, اگر ضرورتى نباشد, حرام و معصيت است و گاه موجب تعزير يا حد قـذف مـى شـود,بنابراين از افشاى سر, حتى پيش پدر و مادر شخص بپرهيزيد, و ثانيا امر طلاق به دسـت مـرد اسـت وبخصوص اگر زوجه هم مايل باشد, بلى , اگر بواسطه طلاق , زوجه در معرض فـسـاد اخـلاقـى يا فشارهاى روحى قرار بگيرد, البته با امكان زندگى با زوجه , ترك طلاق و ادامه مـعـاشـرت به معروف , بسيار خوب است و اصلا مبغوض ترين كارهاى حلال , طلاق است و ثالثا اين خود شما هستيد كه با توجه به نظرناصحين , سالمندان فاميل , دوستان و امكاناتى كه خود داريد و ملاحظه جوانب مختلف تصميم بگيريدبه هر حال حقير هم دعا مى كنم كه آنچه خير و صلاح شما و طرف شما است فراهم شود .

والسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته .

لطف اللّه صافى .

نمايه واژه ها

٤ .

اباطيل :باطلها .

استدراج :سنت الهى (مهلت دادن گناهكار و عذاب ناگهانى ) .

اهل بدع :كسانى كه مطالبى جديد, در دين خدا وارد مى كنند .

بار عام :اجازه عمومى دادن .

تحليه :آراستن خويش به اخلاق كريمه .

تحميد:حمد و ثنا كردن .

تسبيح :خدا را به پاكى ياد كردن .

تسديد:كمكهاى غيبى .

تعزير:مجازات شرعى .

تفوق :برترى جويى .

تفويض :واگذار كردن .

تكبير:خدا را به بزرگى ياد كردن .

تهليل :ذكر ((لا اله الا اللّه )) .

تيه :بيابان .

حد:مجازات شرعى .

حظوظ:بهره ها .

حيا:در حال زنده بودن .

خلع :بيرون افكندن .

خوض :فرو رفتن , تفكر كردن .

دارين :دو دنيا .

دعاى مكارم الاخلاق :دعايى منسوب به حضرت سجاد, عليه السلام , .

دنيه :پست و بى ارزش .

صحيفه مباركه علويه :صحيفه سجاديه .

عرق جبين :از دسترنج خود بهره مند شدن .

عصات :گناهكاران .

غور:فرو رفتن , تفكر كردن .

قذف :نسبت عمل ناروا به كسى دادن .

قلاع :قلعه ها .

كد يمين :از دسترنج خود بهره مند شدن .

كما هو حقه :آنچنان كه شايسته اوست .

لبس :پوشيدن .

مرويه :روايت شده .

مشار بالبنان :مشهور .

معاتبه نفس :سرزنش نمودن نفس آدمى .

ملاهى :لهو و لعب .

ملهيات :اسباب لهو و لعب .

مناهى :امورى كه مورد نهى است .

ميتا:در حال ممات .

نفس بهيميه :نفس حيوانى .

--------------------------------------------

پاورقى ها

٨٤- نـهـج الـبـلاغـه , حـكـمت ٤٥٦ , آيا آزاده اى نيست كه اين دنيا را كه در كم ارزشى , همچون تـه مـانـده طعامى است كه در دهان باقى مى ماند , به اهلش واگذارد براستى كه جز بهشت , هيچ ارزشى براى جانهايتان نيست , پس جانهايتان را به غير از بهشت , نفروشيد .

٨٥- تـوبـه , آيـه ١٠٥ , و بـگـو كـارتان را بكنيد , به زودى خداوند و پيامبر او و مؤمنان در كار شما خواهندنگريست .

٨٦- بقره , آيه ١٨٧ , آنان (( پيراهن تن )) شما و شما (( پيراهن تن )) آنانيد .

٨٧- روم , آيـه ٢١ , و از جـمله آيات او اين است كه براى شما از نوع خودتان , همسرانى آفريد كه با آنان آرام گيريد , و در ميان شما دوستى و مهربانى افكند .

٨٨- كـلـيـنـى , محمد , كافى , ج ٤ , ص ١٢ , مؤمن , آن گونه غذايى را مى خورد , كه موافق ميل همسر وفرزندانش است ولى منافق , در غذا خوردن , فقط به راى و نظر خود , توجه مى كند .

٨٩- مجلسى , محمد باقر , بحارالانوار , ج ٢٢ , ص ١٨٠ , ازدواج , از سنت من است .

٩٠- كـلـيـنـى , محمد , كافى , ج ٥ , ص ٣٢٩ , آنكس كه ازدواج كند , نصف دينش را حفظ كرده است .

٩١- طلاق , آيه ٣ , و هر كس بر خداوند توكل كند , همو وى را كافى است .

فهرست مطالب

[سئوال ١ = تزكيه نفس 2](#_Toc415565629)

[سئوال ٢ = عدم پاى بندى اعضاى خانواده به وظايف و دستورات اسلامى 5](#_Toc415565630)

[سئوال ٣ = نصيحت درباره سعادت دنيا و آخرت 7](#_Toc415565631)

[سئوال ٤ = راهنمائى در مسير سلوك 10](#_Toc415565632)

[سئوال ٥ = رهايى از گرفتاريهاى روحى 13](#_Toc415565633)

[سئوال ٦ = نصيحت در ايام تولد حضرت زهرا (س) 15](#_Toc415565634)

[سئوال ٧ = بهترين و مهمترين آرزو از خداى سبحان 22](#_Toc415565635)

[سئوال ٨ = راهنمائى جوانان مشرف به تكليف 30](#_Toc415565636)

[سئوال ٨ = راهنمائى جوانان مشرف به تكليف 37](#_Toc415565637)

[سئوال ٩ = مبارزه با نفس اماره 41](#_Toc415565638)

[سئوال ١٠ = راهنمائى در آغاز سال تحصيلى 43](#_Toc415565639)

[سئوال ١١ = خودكشى و عواقب آن 48](#_Toc415565640)

[سئوال ١٢ = نصيحتى براى تمامى جوانان ايران 50](#_Toc415565641)

[سئوال ١٣ = نصيحتى مفيد براى دنيا و آخرت 50](#_Toc415565642)

[سئوال ١٤ = نصيحتى براى جوانان 54](#_Toc415565643)

[نمايه واژه ها 57](#_Toc415565644)

[سئوال ١٦ = حقوق زوجين 63](#_Toc415565645)

[سئوال ١٧ = معيارهاى انتخاب همسر 68](#_Toc415565646)

[سئوال ١٨ = بد اخلاقى همسر 71](#_Toc415565647)

[فهرست مطالب 76](#_Toc415565648)